

فرمانده آیساف در شمال: ۸۰۰ سرباز آلمانی در شمال باقی می ماند



فرمانده نیروهای آیساف در شمال کشور با بیان این که ما حملات بهاری طالبان را جدی می گیریم، خاطرنشان کرد، حدود ۸۰۰ سرباز آلمانی در افغانستان بعد از ۲۰۱۴ حضور خواهند داشت.

تورن جنرال یورگ فولمر همچنان خاطرنشان کرد: هماهنگی میان نیروهای افغان و آیساف برای مبارزه با دهشت افگنی در شمال کشور وجود دارد.

وی که در یک نشست خبری به منظور تجلیل از روز جهانی مطبوعات در پایگاه نظامی آلمان مستقر در شهر مزارشریف سخن می گفت، افزود: نیروهای امنیتی افغان به همکاری نیروهای بین المللی آماده مبارزه با هراس افگنان هستند.

فرمانده آیساف در شمال کشور از تجهیز... ادامه صفحه ۶



آن روی سکه

(کرزی هم پور غواری هم نور)

همه می دانند «طالبان و مناقشه مرزی»، «هر دو - دو روی یک سکه اند؛ یک روی به سوی پاکستان (طالبان) و روی دیگر به سوی افغانستان (سرزمین های آن سوی خط دیورند). با این تفاوت که طالبان بی چون و چرا در دست پاکستان قرار دارند؛ اما رییس جمهور کرزی و هم فکرانش، هیچ گاهی نتوانسته اند گامی آن سوتر از خط دیورند

بگذارند

صفحه ۶

وزارت خارجه افغانستان:

لانه های تروریسم در عمق خاک پاکستان قرار دارد



موضوع خط دیورند قبلاً حل شده است. هفته گذشته در نتیجه درگیری میان نیروهای سرحدی دو کشور یک پولیس سرحدی افغان کشته شد و سه تن دیگر آنان زخمی گردیدند.

افراز کرده است. اما جانان موسوی سخنگوی وزارت خارجه افغانستان گفت: مهم این است که مبارزه با تروریسم در لانه های اصلی شان در داخل پاکستان صورت بگیرد. او گفت که مبارزه با شورش گری باید از منابع آن آغاز شود و این منابع در عمق خاک پاکستان قرار دارد. در این حال، مقام های افغانستان می گویند که هدف از ایجاد تأسیسات پاکستان در امتداد خط دیورند این است تا این خط سرحدی از سوی افغانستان به رسمت شناخته شود. اما رییس جمهور کرزی روز شنبه گفت که افغانستان هیچگاه خط سرحدی دیورند را به رسمیت نخواهد شناخت. وزارت خارجه پاکستان اندکی پس از آن گفت که

وزارت خارجه افغانستان، اظهارات مقام های پاکستانی را که گفته اند: هدف از ایجاد تأسیسات نظامی این کشور در امتداد خط دیورند، جلوگیری از رفت و آمد غیر قانونی از این محل است، به شدت رد می کند. سخنگوی این وزارت روز یکشنبه در یک نشست خبری در کابل گفت که لانه های تروریسم در امتداد خط دیورند نه، بل که در داخل پاکستان قرار دارد. وزارت خارجه افغانستان می گوید که اگر پاکستان به راستی می خواهد با تروریسم مبارزه کند، مخفیگاه های اصلی تروریسم را در داخل خاک خود از بین ببرد. وزارت خارجه پاکستان روز شنبه اعلام کرد که این کشور پوسته موسوم به گورسال در امتداد خط دیورند را به خاطر تأمین امنیت سرحدات افغانستان و پاکستان و جلوگیری از رفت و آمد غیر قانونی از این محل

نهادهای مدافع خبرنگاران:

لتوکوب خبرنگاران افزایش یافته است



همواره با آن روبرو بوده اند. در این حال، عبدالحمید مبارز، رییس اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان در این برنامه گفت: «براساس اطلاعاتی که از سوی نهادهای حمایت از خبرنگاران به ما رسیده، روز به روز خشونت علیه خبرنگاران افزایش می یابد.» آقای مبارز می گوید که برخی... ادامه صفحه ۶

اداره حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان (نی) طی همایشی از روز جهانی آزادی مطبوعات گرامی داشت به عمل آورد. مسوولان نی روز گذشته در همایش گرامی داشت از روز جهانی آزادی مطبوعات اعلام کرده اند که میزان خشونت علیه خبرنگاران افزایش یافته است. صدیق الله توحیدی مسوول دیده بان رسانه ها می گوید که در جریان چهار ماه گذشته، چهل مورد خشونت علیه خبرنگاران در اداره نی ثبت شده است. به گفته آقای توحیدی، رقم خشونت های انجام شده در سال روان میلادی نشان می دهد که خشونت علیه خبرنگاران در سال روان نسبت به زمان مشابه سال گذشته، دو برابر افزایش یافته است. بیشترین خشونت علیه خبرنگاران از سوی مسوولان حکومتی و مأموران امنیتی صورت گرفته است. آقای توحیدی افزود که لت و کوب، حمله مسلحانه، بدرفتاری و توهین از مواردی است که خبرنگاران

حرفه های مسلکی شامل نصاب معارف می شود



وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری وزارت معارف برنامه ملی انکشاف مهارت ها را آغاز کرده است تا با تطبیق آن، دانش آموزان حرفه های مسلکی را فرا بگیرند. این برنامه به دانش آموزان کمک می کند تا پس از فراغت بیکار نمانند. «برنامه ملی انکشاف مهارت ها» در حالی آغاز شده که افغانستان با کمبود نیروی کار متخصص روبروست؛ از این رو، شرکت هایی که به... ادامه صفحه ۶

در برگ ها



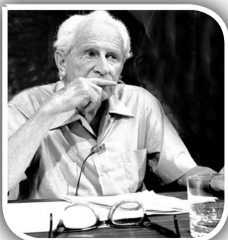
نسل جوان و آسیب شناسی انتخابات



دیگر کسی عمران خان را نادیده نمی گیرد



عقل مداری رنسانس و سکولاریسم



اندیشه انتقادی و درمانده گی انسان مدرن

حلیمه حسینی

نسل جوان و آسیب‌شناسی انتخابات



که نمی‌توان این حقیقت را نادیده گرفت که هستند رسانه‌های نوظهور و رسالت‌مندی که به دور از همه این بازی‌ها، از قضا در این فصل متولد شده و می‌شوند؛ اما اگر این روزها با یک دید آسیب‌شناسانه به وزارت اقتصاد و عدلیه و فرهنگ و اطلاعات سری بزنیم، درخواهیم یافت که آمار تقاضا برای ثبت و راجستر کردن رسانه، انجمن، موسسه و یا نهاد و... بیشتر شده است و این انرژی آزاد شده و بسیج شده همه‌گانی، اکثراً با رهبری جوانان در حال شکل گرفتن است. نسل جوانی که تحصیل کرده، کاردان و خلاق است، به یک‌باره مورد توجه قرار می‌گیرد و از هر طرف دروازه‌ها به روی طرح‌ها و ایده‌هایشان باز می‌شود. این به خودی خود، شعفی غیر قابل وصف را برای جوانان به دنبال دارد و خرسندی از این که دست‌کم کشف شده، مورد توجه قرار گرفته و فرصتی برای تبارز یافته‌اند! اما اگر این نیروها و انرژی سرشار آزاد شده، پس از انتخابات، بازاری برای کار و ادامه حیات و پویایی خویش نیابند و احساس کنند که تاریخ‌مصرف‌شان گذشته و بیشتر فقط تخته‌یی بودند برای صعود این و آن، چه خواهد شد؟ فقط کافی‌ست به این بیاندیشیم که چند درصد از این رسانه‌ها و تریبون‌ها و مجموعه‌ها، شانس دوام و قوام و ادامه حیات خواهند داشت؟ و تاریخ‌مصرف گذشته‌ها، با فردای بعد

جدی خواهد یافت و روی هم رفته، حرکتی خوب و امیدبخش نیز به حساب می‌آید. زیرا همین که جوانان بتوانند در این سرزمین به رسمیت شناخته شده و با سرمایه‌گذاری روی آن‌ها، به عنوان یک برگ برنده برای رقابت‌های کلان سیاسی مطرح شوند، خود پیروزی بزرگی خواهد بود که جامعه ما امروز به آن به شدت نیازمند است. اما این نوع نگرش نسبت به قشر جوان به‌ویژه دانشگاهیان، آسیب‌شناسی قوی و دقیقی را می‌طلبد که به جوانان ما در کنار مطرح شدن و به میدان آمدن برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان و در کل سیاسی شدن، رشد شخصیتی و هویتی‌شان را نیز ارزانی دارد. اما اگر این روند به‌خاطر عدم مدیریت درست و فقدان شفافیت و صداقت در کار احزاب و دیگر سمت‌وجریان‌هایی که با شعار جوان‌گرایی به دنبال تمدید حضور ساختارهای کهنه هستند به انحراف کشانیده شود، می‌تواند دردناک‌ترین تجربه از حضور و مشارکت سیاسی جوانان در یک پروسه ملی باشد. از این رو باید به‌دقت با ظرفیت‌ها و هیجانات و احساسات جوانان در امر انتخابات، تعاملی هدف‌مند و سازنده داشت و به مدیریت درست این حجم وسیع از انگیزه، نیرو و توان‌مندی همت گماشت که اگر متعهد به پاسداری و قوام نظام شوند، بدون شک قدرتی

به نظر می‌رسد برای تغییر و تحول‌آفرینی، چاره‌ی جز توسل به نیروی جوان و باور کردن اندیشه آن‌ها نیست، اما این رویکرد با چه منطق و فلسفه‌ی باید صورت بگیرد و جوانان چه‌گونه باید در گرماگرم فرا رسیدن فصل کارزار انتخاباتی، خود را از هرج‌ومرجی دور نگه دارند که قرار است حاکم شود و از وسوسه پول‌های بادآورده‌یی که قرار است به اجتماع گرسنه، بی‌کار و درمانده این مردم سرازیر شود، خود را حفظ کنند و از خطا کردن و به دام مافیای سیاسی افتادن، اجتناب کنند؟ ویروس فساد و معامله‌گری، به‌صورت یک بیماری مسری خود را در جامعه تبارز داده است و بدون شک، جوانان همان قشری هستند که به دو علت مورد حمله این ویروس قرار خواهند گرفت: اول، فقدان یک پیش‌زمینه علمی و فکری برای فساد در نسل جوان، آنان را مستعدتر برای فریب خوردن می‌کند؛ و دوم این‌که، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های کاری جوانان در صحنه عمل، منبعی نیست که بتوان از آن به‌راحتی چشم پوشید. از این رو بدون شک از همین اکنون با توجه به این‌که جامعه ما یک جامعه جوان است و رقم بالایی از رأی‌دهندگان در انتخابات آتی، جوانان خواهند بود، این نکته باید مورد تحلیل و بررسی جدی قرار بگیرد که چه‌گونه می‌توان نسل جوان را از آسیب‌های انتخاباتی حفظ کرد و آن‌ها را یاری نمود که هم به عطش سیاسی شدن و سیاسی بودن خود پاسخ درست داده و هم این‌که نگذارند سوءاستفاده‌یی از آن‌ها صورت بگیرد.

تحول‌گرایی و ساختار شکنی و هم‌چنین جسارت و خلاقیت، از شاخصه‌های نیروهای جوان است. ما در دو عرصه می‌توانیم بحث انتخابات پیش رو و جوانان را مورد مطالعه قرار دهیم: اول، جوانان به عنوان رأی‌دهندگان؛ و دوم، جوانان به عنوان کسانی که بخواهند وارد کارزار انتخاباتی شوند. هرچند که برای ریاست‌جمهوری سن‌وسال مشخصی (طبق قانون اساسی، ۴۰ سال به بالا) مطرح است و هم‌چنین تصدی یک چنین پست‌هایی، نیازمند تجربه‌ی بالا است؛ اما این نکته را نباید از یاد برد که جوان‌گرا بودن، نواندیشی و اراده‌ی برای تطبیق لازمه‌های یک سیاست و یک فضای باز، می‌تواند از یک سیاست‌مدار کهنه‌کار، سیاست‌مداری جوان بسازد؛ به این معنا که حلقه‌یی از جوانان، حامی و پشتیبان وی باشند. این همان مطلوبی‌ست که بدون شک از این پس، در ادبیات و استراتژی و برنامه‌ریزی‌های نامزدان ریاست‌جمهوری، تبارزی برجسته و

سخن‌ماندگار

دیورندستیزی کرسی از کجا آب می‌خورد؟

طرح مسأله خط مرزی دیورند از سوی آقای کرزی با آن‌همه آب‌وتاب رسانه‌یی، هدفی جز تأمین اهداف شخصی او را دنبال نمی‌کند. شاید از ظاهر قضیه چنین تصور شود که آقای کرزی از حمله سربازان کشور به پاسگاه‌های پاکستانی که در داخل خاک افغانستان ایجاد شده بودند، حمایت کرده است؛ ولی وقتی مسأله با اندکی کنجکاوی بررسی شود، آن‌گاه نتایج کاملاً خلاف آن به‌دست می‌آید.

این‌که خط مرزی دیورند از نظر حقوقی چه جایگاهی دارد و واقعاً مسأله اصلی آن چیست، برای آقای کرزی مهم نیست؛ بلکه دغدغه او این است که چه‌گونه می‌توان از این قضیه به نفع خود استفاده برد.

این‌که آقای کرزی دیورندستیزی را پس از رویداد ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار و هم‌چنین در گرماگرم افشا شدن پول‌های اهدایی استخبارات آمریکا و بریتانیا به خودش روی دست گرفته، نشان می‌دهد که او در تلاش منحرف کردن ذهنیت‌ها به سویی دیگر است تا از پرداختن بیشتر مردم و رسانه‌ها به این مسأله جلوگیری شود. زیرا پیشتر از این، او از طرف شماری از نمایندگان مردم به خیانت ملی متهم شد و باید به همین دلیل، به محاکمه کشانیده می‌شد.

آقای کرزی در ده سال گذشته که پاکستان به عنوان اصلی‌ترین حامی تروریسم شناخته شد و در این جای تردیدی باقی نماند که این کشور، مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در افغانستان و منطقه است، هرگز تلاش نکرد مشکلات ما با این کشور را از مجرای حقیقی و اصولی آن که بدون شک سازمان ملل متحد است، حل‌وفصل کند.

آقای کرزی با آن‌که منشأ و ریشه مشکلات را می‌شناخت، هیچ‌گاه تلاش نکرد که افغانستان را از بحرانی که دامن گیر آن شده، نجات بخشد. او با وقت‌کشی، مهمانی دادن و سفرهای بدون نتیجه تلاش ورزید که مسایل و قضایا را به نفع خود رقم زند. حالا هم که او از حرکت سربازان شجاع کشور حمایت می‌کند، به هیچ‌صورت نیت حسنه ملی ندارد و صرف با پیش کشیدن موضوع خط دیورند که بسیاری از آگاهان آن را قضیه‌یی مختومه می‌دانند، می‌خواهد در آستانه انتخابات، ذهنیت‌های عامه را از رسوایی‌های بی‌شمارش دور سازد.

در کنار این‌همه، آقای رییس‌جمهور تلاش می‌کند با اظهارات غیرمسئولانه، جنگ در نوار مرزی را صورت رسمی ببخشد و عملاً مناطق شرقی و جنوبی کشور را دچار ناامنی‌های گسترده سازد. ناامنی‌هایی که می‌تواند او را برای رسیدن به چند هدف اصلی‌اش کمک کند.

نخست، آقای کرزی در تلاش است که در آستانه سال ۲۰۱۴، به عنوان سال سرنوشت برای افغانستان، در میان پشتون‌ها به عنوان یک چهره مطرح تبارز یابد. بهترین وسیله برای نیل به این مقصود، داغ ساختن بحث دیورند است.

دوم، آقای کرزی کوشش می‌کند با افزایش شمار مناطق ناامن و ایجاد این توهم که افغانستان درگیر یک جنگ تمام‌عیار با پاکستان است، زمینه تعلیق انتخابات آینده ریاست‌جمهوری را فراهم کند.

سوم، آقای کرزی تلاش می‌ورزد با گسترش مناطق ناامن و جلب توجه مردم به مسایل امنیتی داخلی، ادامه قدرت سیاسی خود را برای مدت نامعلومی به‌واسطه نشست‌های سنتی تضمین کند.

حتا برخی اعضای مجلس نمایندگان این نگرانی را ابراز کرده‌اند که آقای کرزی با ایجاد تنش‌های مرزی و کلان کردن آن‌ها، می‌خواهد دست به یک کودتای داخلی بزند و مجلس نمایندگان را به بهانه وضعیت اضطراری، لغو کند.

از سوی دیگر، فراموش نکنیم که آقای کرزی برای عدم برگزاری انتخابات، تمهیدات دیگری را هم روی دست گرفته و گزینه‌های دیگری را هم در حال تجربه کردن است. از جمله این تمهیدات غیرقانونی، مشکل‌تراشی در قانون انتخابات مصوب مجلس نمایندگان است. او از برخی نهادهای حقوقی ذی‌ربط در این خصوص خواسته که برای هر قانونی که مجلس تصویب می‌کند، مشکلات حقوقی خلق کنند تا او از توشیح آن سر باز زند.

با این اوصاف، مردم و رسانه‌ها نه‌تنها نباید فریب سخنان و ادعاهای حامد کرزی را بخورند، بلکه بایستی قضیه پول‌های سرازیرشده سازمان‌های استخباراتی دنیا به او را، هرچه سریع‌تر و جدی‌تر مورد بررسی و پیگرد قرار دهند و زمینه برخورد‌های قانونی با وی را مساعد سازند.

آیا لازم نیست که نوع نگاه به نسل جوان و نوع رفتار و تعامل با آن‌ها را با دقت

و ظرافت بیشتری مورد بررسی قرار دهیم و دست‌کم اگر به آن‌ها نمی‌توانیم

وفادار بمانیم، دروغ‌نگفته و با احساسات و توان‌مندی‌هایشان بازی نکنیم و

روند سیاسی شدن آن‌ها را به ریاکاری و فریبی که جامعه به آن مبتلا است، ملوث

نسازیم؟

از انتخابات چه خواهند کرد و به کدام حلقه خواهند پیوست؟ آیا لازم نیست که نوع نگاه به نسل جوان و نوع رفتار و تعامل با آن‌ها را با دقت و ظرافت بیشتری مورد بررسی قرار دهیم و دست‌کم اگر به آن‌ها نمی‌توانیم وفادار بمانیم، دروغ‌نگفته و با احساسات و توان‌مندی‌هایشان بازی نکنیم و روند سیاسی شدن آن‌ها را به ریاکاری و فریبی که جامعه به آن مبتلا است، ملوث نسازیم؟ که آن‌گاه دردی بر گرده این ملت تحمیل خواهد شد که لاعلاج خواهد بود و نسل جوانی ریاکار و فریب‌کار و بی‌تعهد، خطرناک‌تر از هر شاخص دیگری می‌تواند مخرب و تهدیدکننده باشد.

بی‌رقیب برای حفظ حاکمیت و گسترش آن در جامعه خواهند بود. و اما به‌عکس، اگر از ابتدا با تفکر سوءاستفاده از جوانان وارد عرصه انتخاباتی شویم و به آن‌ها به عنوان نیروهایی که تاریخ‌مصرف شخصی دارند نگاه کنیم، بدون شک عکس‌العمل‌های جدی و عقده‌مندی‌های شرباری را در نسل جوان پرورش خواهیم داد که دودش به چشم همه کسانی خواهد رفت که با نسل جوان این بازی فریب و سودجویی را انجام داده و می‌دهند. گسترش نابه‌جا و تکان‌دهنده رسانه‌های چاپی و تصویری و شنیداری، خود گواهِ تریبون‌سازی برای عده‌یی خاص دارد. هرچند

نواز شریف: پاکستان باید در حمایتش از جنگ امریکا علیه تروریسم بازنگری کند



رهبر مسلم لیگ پاکستان شاخه نواز ضمن اعلام اینکه پاکستان باید حمایت خود را از جنگ امریکا علیه شبه‌نظامیان افراطی مورد بازنگری قرار دهد، گفت: وی خواستار مذاکره با شبه‌نظامیان طالبان است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به برج‌های دو قلوی امریکا، پاکستان از اقدامات واشنگتن برای سرکوب کردن شبه‌نظامیان جهانی حمایت کرد و این امر سبب شد که میلیاردها دلار کمک امریکا به این کشور اختصاص داده شود.

اما بسیاری از مردم پاکستان از این حمایت خشمگین شده و می‌گویند که هزاران تن از سربازان پاکستان به خاطر مبارزه در این جنگ امریکا کشته شده‌اند.

نواز شریف، رهبر مسلم لیگ پاکستان شاخه نواز و یک محافظه کار مذهبی که امیدوار است تا پس از انتخابات پارلمانی شنبه آتی برای سومین بار به عنوان نخست وزیر پاکستان انتخاب شود، گفت: فعالیت‌های ارتش پاکستان علیه شبه‌نظامیان طالبان که تحت رهبری امریکا صورت گرفته، بهترین راه برای سرکوب و شکست شبه‌نظامیان نیست.

وی افزود: معتقدم که تفنگ و گلوله همیشه پاسخ مناسب به چنین مشکلات نیست و باید گزینه‌های دیگر را نیز به طور همزمان بررسی کنیم و سپس تصمیم بگیریم که کدامیک عملی و قابل اجرا است و فکر می‌کنم که قصد داریم تمامی این گزینه‌ها را بررسی کنیم. وی اعلام کرد: یک نفر باید به صورت جدی به این مشکل رسیدگی کند. تمامی طرفین باید گرد هم آیند و نگرانی‌های تمامی احزاب را درک کنند و سپس تصمیمی اتخاذ کنند که به نفع پاکستان و جامعه بین‌المللی باشد.

این اظهارات نواز شریف احتمالاً واشنگتن را عصبانی می‌کند؛ چرا که امریکا، پاکستان را در خصوص سرکوب شبه‌نظامیان داخلی و همچنین کمک به شکست دادن شبه‌نظامیان طالبان افغانستان تحت فشار قرار داده است.

امریکا امیدوار است که این انتخابات باعث ایجاد ثبات در پاکستان شود تا این کشور بتواند همزمان با خروج نیروهای ناتو تا پایان سال ۲۰۱۴ به برقراری صلح در افغانستان کمک کند.

ائتلاف مالکی در انتخابات عراق پیروز شد



در نخستین رای‌گیری از زمان خروج نیروهای امریکایی از عراق، ائتلاف سیاسی به رهبری نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق، توانست در انتخابات شوراهای محلی به پیروزی دست پیدا کند.

این انتخابات دو هفته پیش برگزار شده بود و شمارش آرا تا روز شنبه ادامه داشت. هواداران آقای مالکی با وجود پیروزی در هفت ولایت از دوازده ولایت عراق، همچنان برای گزینش مقام‌های عالی ولایتی و محلی نیاز دارند تا با گروه‌های دیگر ائتلاف بزرگ‌تری را تشکیل دهند.

انتخابات دو هفته پیش از سوی ناظران و رسانه‌ها، آزمونی برای دولت عراق به شمار می‌رفت، چرا که برای نخستین بار از یک سال و نیم پیش، یعنی از زمان خروج نیروهای امریکایی از آن کشور برگزار می‌شد.

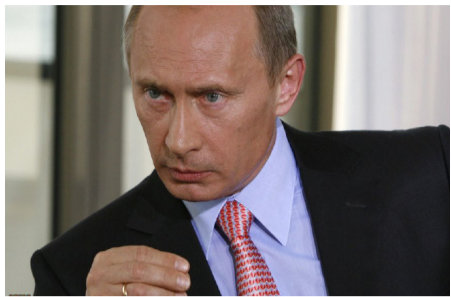
مهم‌ترین رقیب ائتلاف نخست وزیر عراق در این انتخابات، حزب العراقیه بود که گروهی سنی‌مذهب به شمار می‌رود و نتوانست به نتیجه چشم‌گیری دست پیدا کند.

سال آینده میلادی در عراق انتخابات پارلمانی برگزار می‌شود که نتیجه انتخابات شورایی اخیر، می‌تواند معیاری برای آن باشد. احمد علی، کارشناس مرکز مطالعاتی «استادی آف وار» در واشینگتن، به خبرگزاری رویترز می‌گوید این انتخابات نشان می‌دهد که در پارلمان آینده به سختی می‌توان دولتی فراقریب تشکیل داد.

به گفته این کارشناس امور عراق، به نظر می‌رسد که ائتلاف با گروه‌های کوچک و بزرگ، همچنان تنها راه تشکیل دولت در عراق باشد.

عراق در زمان برگزاری انتخابات شورایی، صحنه خشونت‌ها و بمب‌گذاری‌های زیاد بود، به طوری که سازمان ملل متحد، ماه گذشته میلادی را خونین‌ترین ماه طی پنج سال گذشته در عراق نامید.

پوتین؛ «شکارچی آزادی مطبوعات!»



خبرنگاران بدون مرز رییس جمهوری روسیه را «شکارچی آزادی مطبوعات» خواندند و وی را هم ردیف رییس جمهوری جدید چین و مافیای ایتالیا دانستند.

به نوشته روزنامه مسکو تایمز، خبرنگاران بدون مرز مستقر در فرانسه فهرستی به‌روز شده از ۳۹ «شکارچی آزادی اطلاعات» را در روز جهانی آزادی مطبوعات منتشر کردند.

در این گزارش آمده است: اگر تنها یک واژه نیاز باشد که به توصیف ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه بپردازیم، آن واژه «شکارچی آزادی مطبوعات» است.

پوتین برای اولین بار در سال ۲۰۰۰ میلادی به سمت ریاست جمهوری منصوب شد و از زمانی که در سال ۲۰۱۲ میلادی بار دیگر به این رسید، اظهارات او بیشتر بوی نظامی‌گری و جنگ سرد دارد.

خبرنگاران بدون مرز اعلام کردند که فعالیت خبری مستقل یک شغل خطرناک در روسیه محسوب می‌شود.

در گزارش این سازمان آمده است، حداقل ۲۹ خبرنگار از زمان دور اول ریاست جمهوری پوتین در سال ۲۰۰۰

میلادی در ارتباط با شغلشان کشته شدند و عامل اصلی کشته شدن دو تن از خبرنگاران روس همچنان نامشخص باقی مانده است.

این گزارش همچنین افزوده است: از زمان بازگشت پوتین به کاخ کرملین در سال گذشته میلادی مقام‌های روسیه اقدامات سخت‌گیرانه‌تری را علیه مخالفان وی در نظر گرفته‌اند به طوری که مسکو برای عاملان خشونت‌ها علیه خبرنگاران بخشودگی‌های غیرقابل قبولی در نظر

گرفته است.

چون بلا روس، ترکمنستان و ازبکستان نیز به عنوان شکارچی‌های آزادی مطبوعات آمده است اما نامی از رؤسای جمهوری قزاقستان و جمهوری آذربایجان نیامده است.

خبرنگاران بدون مرز از جامعه جهانی خواستند تا چشم‌هایشان را به خاطر منافع اقتصادی و سیاسی بر روی این موارد نبندند چرا که افرادی چون نورسلطان نظربایف و الهام علی‌اف، رؤسای جمهور قزاقستان و جمهوری آذربایجان از این امر مطمئن هستند که هیچ یک مجازات نمی‌شوند.

همچنین دیگر افراد وارد شده در این فهرست شامل شی جینپینگ، رییس جمهوری جدید چین و اعضا و حامیان حزب حاکم مصر موسوم به اخوان‌المسلمین هستند. علاوه بر این سازمان‌های تبهکاری چون گروه قاچاق مواد مخدر مکزیکی «زتا» و مافیای ایتالیا همچنان به کشتن و هدف قرار دادن خبرنگاران مستقل و کنجکاو ادامه می‌دهند.

کاخ کرملین هنوز نسبت به این گزارش واکنش نشان نداده است؛ اگرچه در گزارش سال گذشته نیز نام پوتین در این فهرست قرار داشت.

اورلا گوئرین/بی‌بی‌سی

دیگر کسی عمران خان را نادیده نمی‌گیرد



بلندگوه‌ها هم آهنگ کارزار تبلیغاتی او بنام «انشا الله» پخش می‌شد. عمران خان در حالی که زیر یک چوب کریکت بزرگ ایستاده بود، فریاد زد: «آیا برای یک پاکستان نوین آماده‌اید؟»

هوادرانش در پاسخ او را تشویق کردند. خیلی‌هایشان پرچم‌های قرمز، سفید و سبز حزب او را تکان می‌دادند. وقتی قول داد که رقبایش را شکست دهد، عده‌ای چوب‌های کریکتشان را بالای سر بردند. اما برخی وعده‌های انتخاباتی او قدری توخالی بنظر می‌رسند.

مثلاً گفته که ظرف ۹۰ روز به فساد پایان می‌دهد. منتقدانش می‌گویند او ساده لوح و خطرناک است.

آنها او را به داشتن مواضع نرم در مقابل طالبان متهم می‌کنند. او این اتهامات را رد می‌کند و اصرار دارد که گفتگو با پیکارجویان تنها راه مفید است، زیرا جنگ و درگیری تابحال نتیجه‌ی نداشته است. او می‌گوید: «اگر درباره کشتار و اقدامات نظامی حرف نزنید، فوراً به نرمش در مقابل طالبان متهم می‌شوید. ۹ سال عملیات نظامی چه حاصلی برای پاکستان داشته است؟ امروزه افراط‌گرایی و تروریسم بیشتر شده است.»

او می‌خواهد پاکستان را از جنگ با تروریسم خارج کند، و معتقد است درباره خطر حضور پیکارجویان در داخل خاک این کشور اغراق شده است. او به‌ما گفت: «حضور القاعده در اینجا ناچیز است، و کسانی که طالبان خوانده می‌شوند، در واقع مردم قباایل خودمان هستند. هرچه بیشتر از آنها بکشیم، پیکارجویان بیشتری تولید کرده ایم.»

■ **احیای وجهه**

شنیدن بسیاری از شعارهای عمران خان برای غربی‌ها آسان نیست. اما در میان جمعیت عده زیادی به نسخه‌ی که او برای پاکستان تجویز می‌کند، اعتقاد دارند. مرد جوانی که عینکی با قاب سیاه به چشم، و تی‌شرتی به‌رنگ آبی روشن بر تن داشت، به‌ما گفت: «ما معتقدیم او خواهد توانست ما را از این بحران‌ها خارج کند، و مسائل بزرگی مثل تروریسم و فقر را حل

کند.» عمران خان به لطف شعار تغییر و کارزار تبلیغاتی پرحرارتش توانسته در سراسر کشور جمعیت زیادی را به‌دور خود جمع کند.

در نقطه مقابل او، بسیاری از نامزدهای احزاب سکولار و لیبرال – که با طالبان مخالف هستند – حتی جرأت نمی‌کنند در ملاء عام ظاهر شوند. پیکارجویان در هفته‌های اخیر در حملات مرتبط با انتخابات حدود ۵۰ نفر را کشته اند، و نامزدهای سکولار در صدر فهرست اهداف آنها قرار دارند. اما عمران خان معتقد است که با خطر دیگری مواجه است.

او گفت: «خطری که مرا تهدید می‌کند، نه از جانب تروریست‌ها، که از سوی مافیاهای سیاسی است که نگران از دست دادن طرف عسلسشان هستند. فکر می‌کنم آنها قادر به انجام هر کاری باشند.» از نگاه برخی، عمران خان حتی پیش از شروع رأی‌گیری برنده است، زیرا توانسته خود را از نو بسازد. به گفته امتیاز گل، تحلیلگر سیاسی، از او قبلاً به‌عنوان یک دون ژوئن کریکت‌باز یاد می‌شد.

اما آقای گل می‌گوید: «تقریباً همه مردها در دوره‌ای از عمر خود خوشگذرانی کرده‌اند. اما مردم بر اساس آنچه که او الان انجام می‌دهد درباره‌اش قضاوت می‌کنند. مردم مشکلات بسیار زیادی دارند و عمران خان به مسائل مورد نظر آنها می‌پردازد. بسیاری از مردم معتقدند که او شاید همان کسی باشد که می‌تواند مشکلات را حل، و به وعده‌هایش عمل کند.»

بعد از رأی‌گیری موقع امتحان است. انتظار می‌رود حزب عمران خان بعد از دو ستون اصلی عرصه سیاست پاکستان، یعنی مسلم لیگ به‌رهبری نواز شریف و حزب مردم پاکستان (به‌رهبری خانواده بوتو)، در جای سوم قرار گیرد. او ممکن است به یک دولت ائتلافی ببیوندد، یا به یکی از چهره‌های اصلی جناح مخالف مبدل شود. تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که او در هر دو حالت نیرویی انکارناپذیر در اختیار خواهد داشت.

عقل‌مداری رنسانس و سکولاریسم

هدی علوی

سکولاریسم (secularism) واژه‌ی انگلیسی است و از ریشه‌ی لاتین *seculum* به معنای یک برهه‌ی زمانی معین، گرفته شده است. «فرهنگ نشر نو» در بیان واژه *secular* مفاهیم غیر مذهبی، غیر روحانی، عرفی، دنیوی و مادی را می‌آورد. (۱)

برای سکولاریسم، تعاریف متعددی ارائه شده است که برخی ناظر به بعد فکری است: نظیر آن‌که گفته می‌شود:

«سکولاریسم نظام عام عقلانی است که در آن، روابط میان افراد، گروه‌ها و دولت بر مبنای عقل تنظیم می‌گردد.»

این تعریف، چون تنها به یکی از اصول سکولاریسم اشاره دارد، تعریفی کامل نیست.

گرفت. در نتیجه و تنها عکس‌العمل، نادیده انگاشتن خود کلیسا خواهد شد. به دلیل آن‌که کلیسا قدرت تعلیم آموزه‌های دینی را نداشت و علاوه بر آن، این آموزه‌ها قدرت پاسخ‌گویی به مردم را نداشت؛ یعنی به موازات رشد گستره تفکرات مردم، دیگر این تعالیم جذابیت خود را از دست داده بود.

ب: **نهضت دینی (رفرمیسم):** نهضت اصلاح دینی، جریانی بود که طی آن، از نفوذ مذهب به تدریج کاسته شد. مارتین لوتر (-۱۵۸۳/۱۵۴۶ م) از پیش‌گامان این حرکت، با هدف اصلاح و پیرایه‌زدایی از آیین مسیحیت و برقراری انضباط در آن، دیدگاه‌های جدیدی را عرضه کرد: اصل خود کشیشی را که مشوق فردگرایی بود، مورد تأکید قرار داد و با این

داشت و بدین وسیله، بستری جهت‌شکل‌گیری سکولاریسم آماده گشت.

■ **پایه‌های اصلی تفکر سکولاریسم:**

الف: اومانیزم:

اومانیزم یا انسان‌مداری هویتی جدید است که غرب پایه‌های فرهنگ خود را بر اساس آن بنا نموده است. این نحوه تفکر، ملاک و تکیه‌گاه تبیین و تشخیص ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را انسان دانسته و برای این شناخت هیچ مبدای ماورایی قابل نیست.

ب: **عقل‌مداری یا راسیونالیسم:**

راسیونالیسم یکی از بنیادهای فکری سکولاریسم است که به معنای قدرت عقل انسان برای درک مسایل است. داوری نهایی در زنده‌گی بشری به عهده عقل است آن‌هم عقل مستقل از وحی و



بخش دوم

چه گونه از خود انسان برتری بسازیم؟

بدون توجه به این‌که از کجا آمده‌ایم... دوران خردسالی مان چه گونه سپری شده... و چه دشواری‌هایی پشت سر داشته‌ایم... و باورهای اولیه‌مان چه گونه بوده... و فرهنگ حاکم جامعه‌مان چه گونه و چه اثرات مثبت و یا منفی بر باورهای مان داشته‌اند، می‌توانیم با رعایت اصولی، از خود انسانی موفق، آرام، شاد، تندرست، جذاب، دانا و توانا... مثبت‌اندیش و سرشار از شور و شوق ساخته و انسانی جدید با شخصیت کاملاً متفاوت با گذشته باشیم.

روان‌پزشکان معتقد هستند که: اندیشه‌ها و باورهای ماست که کیفیت زنده‌گی ما را می‌سازند. اندیشه‌ها و پندارها، به وسیله «پیام‌های کیمیایی» (Neuropeptides) در سراسر بدن جریان پیدا می‌کنند، به طوری که هر فکری که از ذهن ما می‌گذرد، در یک چشم بر هم زدن، بر ترکیبات کیمیایی بدن تأثیر می‌گذارد و بعد از هر اندیشه‌ی، احساسی در بدن تولید می‌شود. اندیشه‌های مثبت و شادی‌بخش و مهرآمیز، باعث ترشح هورمون‌هایی می‌شوند که جسم و ذهن ما را سالم، پر نشاط و سیستم ایمنی و دفاعی بدن‌مان را فعال‌تر می‌سازند! اندیشه‌های مثبت: راه پیشرفت‌ها، سازنده‌گی‌ها و چه‌گونه‌گی رسیدن به پیروزی را به ما نشان می‌دهند. این‌که چه توانایی‌ها، چه نیروی خلاقه و چه ابتکاراتی می‌توانیم داشته باشیم، اعتماد به نفس زیاد، خودباوری فراوان و بزرگان‌اندیشی را به ما می‌بخشد.

روان‌پزشکان توصیه می‌کنند که همیشه به پیروزی‌ها بیاندیشیم، همیشه خود را لایق و شایسته بدانیم و هرگز خود را دست‌کم نگیریم. زیرا اندیشه‌های منفی و مخرب، فعل و انفعالات کیمیایی بدن را به صورت منفی تغییر داده و با ترشح هورمون‌های مضر و سمی، باعث بسیاری از امراض روحی و جسمی می‌گردند. افکار منفی: ناتوانی‌ها، نارسایی‌ها، احساس حقارت و خودکم‌بینی‌ها را تشدید کرده، از سوی دیگر، اعتماد به نفس و خودباوری را در ما به شدت کاهش می‌دهند و در مواجهه با هر کاری، با شعار «نمی‌توانی، عرضه‌اش را نداری، شکست می‌خوری» علیه منافع خود شخص به کار افتاده و عملاً سد راه پیشرفت می‌گردند.

انسان دایماً و لحظه به لحظه، افکار منفی یا مثبتی را انتخاب کرده و آگاهانه یا نا آگاهانه خواسته یا نخواستسته حتا، بعضاً لجاجانه به تکرار آن‌ها می‌پردازد. احساس‌های منفی بی‌آن‌که دخالتی داشته باشیم، در فکر ما جای می‌گیرند، اما جنبه‌های مثبت را می‌بایست با تلقین به افکار تزریق کرد. چون هر کسی در هر روز بیش از ۶۰ هزار فکر می‌تواند داشته باشد، بنابراین وقتی افکار مثبت یا منفی در ذهن تکرار شوند - با توجه به ارتباط دایمی میان ذهن و جسم - اثرات مثبت (ایمن) یا منفی (ناایمن) آن بر جسم، به صورت دایمی ادامه پیدا می‌کند. وقتی اندیشه‌های منفی را در سر داریم، آن‌ها را خواسته یا ناخواسته - در هر روز - چند هزار مرتبه تکرار می‌کنیم، در نتیجه: ۱- افکار منفی قوی‌تر می‌شوند، ۲- جای بیشتری در ذهن به خود اختصاص می‌دهند، در نهایت، تمام بخش تولید فکر را زیر نظارت خود می‌دهند و به مجموعه افکارمان، ماهیتی منفی می‌دهند. با این روند، بخش عظیمی از توانایی‌های (بالفعل و بالقوه) خود را ناتوان ساخته و بیهوده هدر می‌دهیم. در نتیجه: بی‌حوصله، کم‌اشتها، پریشان‌حال، بدخواب و افسرده و... گشته، زخم معده گرفته، هم‌چنین به ناراحتی قلبی، عروق، فشار خون و هزاران دردهای دیگر دچار می‌شویم.



آموزه‌های معرفتی دینی. به این بیان که تا قبل از رنسانس و در دیگر ادیان، عقل و اندیشه از جایگاه محوری خاصی برخوردار است، اما عقلی که به عنوان رسول باطنی شناخته می‌شود، یعنی عقل در کنار و با تکیه وحی و معارف دینی. تأکیدهای مکرر خداوند متعال بر تدبیر و اندیشه و نهی از عدم تفکر و تعقل نشان‌دهنده جایگاه محوری عقل و عقل ورزی در دین مبین اسلام است.

اما آنچه عقل‌مداری رنسانس را از سایر عقلانی بودن‌ها جدا می‌کند، استقلال این عقل از وحی است، به عینیت نشستن این تصور که بشر دیگر نیازی به یک منبع ماوراءالطبیعی ندارد و با تکیه صرف به عقل و اندیشه می‌تواند نگرش خود را سامان بخشد. این افراطی‌نگری نیز در

هدف، انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد. تفکیک دین از سیاست، از دیگر اصول مورد اشاره وی بود. لوتر اظهار داشت که پادشاهان قدرت خود را به طور مستقیم از خدا می‌گیرند و وظیفه کلیسا تنها پرداختن به امور معنوی و روحی است. به هر حال، نهضت اصلاح دینی، در پیدایش طرز فکر جدید، نقشی اساسی داشت و باعث درهم شکستن حاکمیت کلیسا و ظهور فلسفه سیاسی جدیدی شد. از پیامدهای این حرکت، درگیری فرقه‌های مذهبی بود که موجب از بین رفتن قداست دین و زمینه‌سازی برای سکولاریسم شد. (۳)

«مارتین لوتر» خود یکی از کشیشان مسیحی بود که هم‌چون هم‌سلکان خود اعتقاد به آن نداشت

آنچه عقل‌مداری رنسانس را از سایر عقلانی بودن‌ها جدا می‌کند،

استقلال این عقل از وحی است، به عینیت نشستن این تصور که بشر دیگر نیازی به یک منبع ماوراءالطبیعی ندارد و با تکیه صرف به عقل و اندیشه می‌تواند نگرش خود را سامان بخشد. این افراطی‌نگری نیز در نتیجه عمل‌کرد نامطلوب کلیسا و کلیسامداران است که با چشم‌پوشی از این عنصر و جایگاه آن در نظام‌بخشی زنده‌گی انسان، به وجود آمد. در حقیقت «عقل» در دوره رنسانس در مقابل «دین» قرار می‌گیرد و در نهایت عقل ابزاری یا محاسبه‌گری صرف را برای فرهنگ غرب به ارمغان می‌آورد

نتیجه عمل‌کرد نامطلوب کلیسا و کلیسامداران است که با چشم‌پوشی از این عنصر و جایگاه آن در نظام‌بخشی زنده‌گی انسان، به وجود آمد. در حقیقت «عقل» در دوره رنسانس در مقابل «دین» قرار می‌گیرد و در نهایت عقل ابزاری یا محاسبه‌گری صرف را برای فرهنگ غرب به ارمغان می‌آورد.

■ **پی‌نوشت‌ها:**

۱. جعفری، محمد رضا: فرهنگ نشر نو، ص ۱۱۱۰.
۲. نوروزی، محمد جواد: فلسفه سیاست، ص ۴۶.
۳. هارولد لاسکی، سیر آزادی در اروپا: ترجمه رحمت... مقدم مراغه‌بی، ص ۱۴.

منبع: www.e-resaneh.com

برخی تعاریف ناظر به روند شکل‌گیری سکولاریسم است که در خلال آن، به تدریج، حقوق و وظایف و امتیازات کلیسا به نهادهای غیرمذهبی منتقل می‌شود. برخی تعاریف دیگر، سکولاریسم را به مثابه یک نظام منسجم فکری می‌انگارند که پس از رنسانس به صورت یک نگرش یا جهان‌بینی درآمد و با نگرشی که در قرون وسطا حاکم بود، تمایز ماهوی دارد و مبنای آن، انسان‌گرایی، تجربه‌گرایی و عقلانیت است. پس سکولاریسم اشاره به جدایی دین از سیاست دارد، به گونه‌ی که هیچ‌یک از آن دو، در حوزه دیگری دخالت نکنند. (۲)

■ **عوامل مؤثر در شکل‌گیری سکولاریسم:** دوره رنسانس همراه با طرد کلیسا و فراموشی واقعیت الهی و دینی شروع شد. در حقیقت عوامل شکل‌دهنده به سکولاریسم همان نقایصی است که قرون وسطا حامل آن‌هاست که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

الف: نارسا بودن تعالیم کلیسا و مسیحیت:

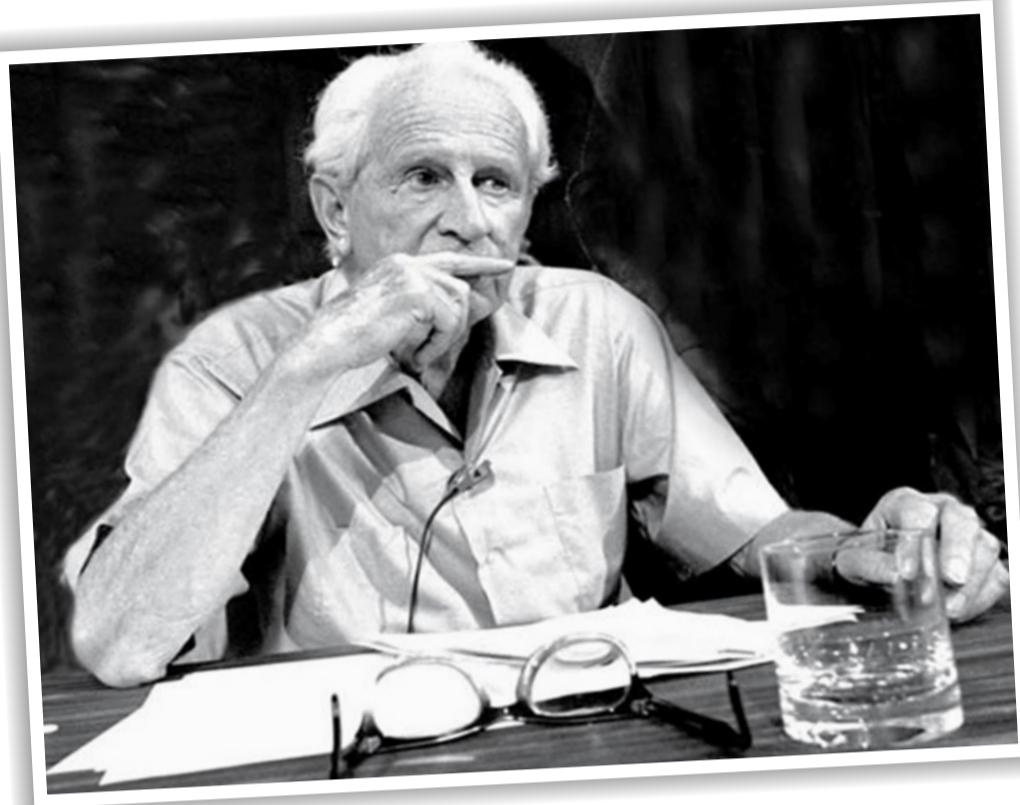
به لحاظ آن‌که در ابتدای قرون وسطا حاکمیت محدود کلیسا تبدیل به حاکمیت علی‌الاطلاق گردید، کلیسا را تصور بر آن داشت که می‌تواند با استبداد و زورگویی هم‌چنان مطلق‌العنان براند؛ حال آن‌که پیشرفت علم و اندیشه در مقابل این حرکت ایستاد.

با افزایش معرفت و جهان‌بینی آدمیان و گسترش گستره معرفتی، مخاطبان کلیسا شرط استمرار دین‌مدار بودن را استدلالی شدن عقاید و افکار منتشر شده از سوی کلیسا اعلام می‌کردند که

کلیسا از این کار سر باز می‌زد. فقدان یک نظام منسجم عقلانی، قدرت دفاع را از کلیسا گرفت و مردم در مقابل آن، خواستار حذف مسیحیت از اجتماع شدند. علاوه بر آن، به لحاظ آن‌که کلیسا درحالی که دسترسی به حقایق را منحصر به خود می‌دانست، فاقد متن وحیانی و مصون از تحریف بود و خرافات بسیاری در دین وارد شده بود که جایی برای رشد و پیشرفت باقی نمی‌گذاشت.

طبیعی است که پس از سپری شدن مدت زمانی جایگاه کلیسا در جامعه از بین رفته و مردم به دنبال آیین و مسلکی خواهند رفت که فطریات آن‌ها را زیر پا نگذارد. روحیه حقیقت‌جویی و کنکاش‌گری یکی از امور فطری است که در هر انسان وجود دارد و کلیسا آن را به راحتی نادیده

اندیشه انتقادی و درمانده‌گی انسان مدرن



نگاهی به انسان تک‌ساختی اثر ماندگار هربرت مارکوزه

مکتب فرانکفورت که به نام مکتب انتقادی هم شهرت دارد، نام شناخته‌شده‌ی است در نزد دانشجویان و دانش‌پژوهان علوم انسانی. این مکتب به پیروی از آنتنیو گرامشی و لئوگ لوکاج به تبیین و قرائت جدید از مارکسیسم دست زد و در کنار اقتصاد (زیربنا) به پدیده فرهنگ نیز اهمیت بنیادین قایل گردید؛ برخلاف مارکسیسم لیننیسم که بیش از حد بر اهمیت و نقش اقتصاد پافشاری داشت و در برابر فرهنگ بی‌اعتنا بود و تنها نقش روبنایی (پدیده وابسته به شیوه تولید) را به آن قایل می‌شد.

از جمله چهره‌های پایه‌گذار این مکتب، کسانی مثل ماکس هورکهایمر، آدورنو، مارکوزه، اریک فروم، والتر بنیامین و هابرماس بیشتر از همه شناخته شده‌اند. متفکران مکتب فرانکفورت به‌ویژه هربرت مارکوزه که در رهبری جنبش‌های دانشجویی دهه شصت نقش برجسته داشت، در نقد و به چالش کشیدن فلسفه پوزیتیویستی، اکونومیسم لیننیستی و محدودیت‌های جامعه‌های صنعتی - سرمایه‌داری و دفاع از اندیشه انسان‌دوستانه و رهایی‌بخش شهرت به‌سزایی دارد. پژوهش‌گران، آغاز زنده‌گی سیاسی مارکوزه را از سال ۱۹۱۸، در پی ناکامی انقلاب آلمان عنوان کرده‌اند. مارکوزه در میدان پیکار انقلاب که با به خون خفتن آزادی‌خواهانی چون رزا لوکزامبورگ، لیکنخت و... به فرجامی تلخ انجامید، عضو شورای سربازان انقلابی برلین بود. این شورا در هم‌بسته‌گی سربازان انقلابی با جنبش کارگری و سامان‌بخشی رویارویی مسلحانه نیروهای انقلابی با نظام سرمایه‌داری آلمان، نقش بنیادین داشت. انقلاب آلمان با سرکوب و شکستی که مواجه شد، زمینه و بستر رشد را به نیروهای فاشیست واگذار کرد که در نتیجه، کم‌کم قدرت به‌دست فاشیست‌ها افتاد. در واقع می‌توان گفت شکست انقلاب، موجب شد که مارکوزه در پی بازنگری در اندیشه‌های سنتی انقلاب و سازوکارهای پیچیده آشکار و پنهان جامعه سرمایه‌داری - صنعتی برآید. مارکوزه نسبت به چرایی ناکامی انقلابی نیروهای پیشرو و شکست یا دزدیدن آن توسط عاملان واپس‌گرا، پاسخ گفته و افزوده است که او مارکس، هگل و فروید را دیرتر خوانده؛ زیرا قصد آن داشته تا بداند چرا هنگامی که به‌راستی شرایط انقلابی اصیل وجود داشت، انقلاب به شکست انجامید و به‌شدت سرکوب شد؛ نیروهای واپس‌گرا و اقتدارطلب دوباره با شدت و وحشت بیشتر مسلط شدند!...

جامعه تک‌ساختی

جامعه تک‌ساختی در تحلیل هربرت مارکوزه، همان جامعه سرمایه‌داری صنعتی معاصر است که به‌طور فزاینده به سوی ماشینی شدن و واقعیت‌زده‌گی در حرکت است. به نظر مارکوزه دنیای صنعتی معاصر نه تنها از ستم‌ها و بهره‌کشی‌های طبقه محروم نکاسته است، بلکه اسارت و برده‌گی را شدت بخشیده، طوری که راه گریز و نجات، دور از امکان به نظر می‌رسد. به نظر مارکوزه، توسعه تکنولوژی در دنیای معاصر، بر پیچیده‌گی و دشواری موضوع افزوده است. به گفته او، گرفتاری انسان امروز فقط و فقط از توسعه پرشتاب

در یافت شان ،

نظیر امور فنی و صنعتی دخالت می‌کند. «امروزه کارگر و کارفرما، هر دو به یک برنامه تلویزیونی می‌نگرند و منشی خانم بدن‌گونه لباس می‌پوشد که دختر کارفرما، آقای سپاه‌پوست نیز در گوشه کادریک آرمیده، همه مردم یک روزنامه را مطالعه می‌کنند. بدون تردید این‌گونه شباهت‌های صوری، نشانه از میان رفتن اختلافات طبقاتی در این جامعه‌ها نیست؛ برعکس روشن‌گر این حقیقت است که گروه‌های سرکوفته، تا چه پایه، به ضرورت‌هایی که ضامن ادامه نفوذ حاکمیت و رهبری طبقات بالای جامعه است، گردن نهاده و تسلیم شده‌اند. (۳) مارکوزه تا واپسین لحظه زنده‌گی‌اش، بر موضع شدیداً انتقادی خود نسبت به سازوکارهای حاکم بر نظام سرمایه، پای فشرد. جایی به صراحت می‌گوید: «واقعیت این است که تضادهای درونی نظام سرمایه‌داری هم‌چنان پابرجاست. جامعه ثروت‌مند،

فر د

ارزانی می‌دارند، غالباً عبارت است از آزادی رقابت در تعیین کالاهایی که قبلاً نسبت به نرخ‌گذاری آن توافق شده، آزادی مطبوعاتی که شخصاً مطالب خود را به خود دولت سانسور می‌کنند و بالاخره آزادی انتخاب بین علایم بازرگانی گوناگون و اشیای سرگرم‌کننده و بی‌ارزش.» (۵) به نظر مارکوزه، آزادی انسان تنها به دارا بودن حق انتخاب چیزی محدود نمی‌شود، به‌رماندی از آزادی واقعی هنگامی است که او توانایی درک چه‌گونه‌گی انتخاب و ارزیابی چیزهایی را که باید انتخاب کند، داشته باشد. این نگاه ژرف و گسترده به آزادی او، در واقعیت اجتماعی روزگار معاصر که انسان در محاصره ماشین و سرمایه قرار گرفته، او را بیش از پیش بدبین‌تر و ناامیدتر نشان می‌دهد. امروزه قدرت سیاسی، بر فرایند سازمان‌فنی تولید تسلط دارد. دولت‌ها در جوامع صنعتی پیش‌رفته و هم‌چنین

هربرت مارکوزه تک‌ساختی بودن انسان عصر تکنولوژی را تنها در یک گستره در نظر نمی‌گیرد، بلکه همه گستره‌های زنده‌گی انسان را مد نظر داشته و زیر زره‌بین قرار می‌دهد؛ فلسفه، سیاست، ادبیات، هنر، اقتصاد و... در همه، زمینه انحطاط و فروافتاده‌گی انسان قابل درک است. حیطه فلسفه پوزیتیویسم بیشتر از هر مکتب و گرایش دیگر، آماج حمله‌های کوبنده او قرار می‌گیرد و به چالش کشیده می‌شود. در فلسفه نو تحصیلی امروز، ابهام معانی و مفاهیم ذهنی نیز از میان رفته و واژه‌ها روشن‌گر معنی خاص سودجویانه خویش‌اند. روش این فلسفه در جست‌وجوی معانی و اندیشه‌های بلند نبوده و در حوزه واقعیت موجود، متوقف است. واقعیتی که در ساخت خود بی‌خردانه و بازدارنده جلوه می‌کند

جامعه‌های در حال توسعه، نفوذ و حاکمیت خود را در امر توزیع و بهره‌برداری از تولیدات تکنولوژیک - علمی یا ماشینی که مورد نیاز جامعه‌هاست، هم‌چنان حفظ می‌کنند. این شیوه تولید قدرت، جامعه را به صورت واحدی بزرگ و پیوسته به کار می‌گیرد و قبل از هر چیز، منافع افراد و گروه‌ها را زیرپا می‌گذارد. در همه جامعه‌هایی که بر پایه ماشینیسم پدید آمده‌اند، رفتار خشونت‌آمیز طبیعی ماشین، نقش موثرتری از رفتار فرد یا گروه‌های اجتماعی بر عهده دارد. از این قرار می‌توان دانست که ماشین وسیله و ابزار سیاسی نیرومندی برای دولت‌هاست، با این‌همه مفهوم سیاسی ماشین، معروض دگرگونی‌هایی واقع شده است. نیرومندی ماشین باید اساساً نیرومندی انسانی در هم فشرده و مطرود امروز باشد. در قلمرو کار و تولید،

مرفه و تکنولوژیک امروز، نیروهای انقلابی را با شدت و خشونت‌گی که دوران قرون وسطا را به یاد می‌آورد، با تدابیر و چاره‌جویی‌های بی‌پیشینه و نو ظهور، درهم می‌شکند؛ جامعه تنها با برآوردن نیازهای فرد، از آزادی او می‌کاهد و برده‌گی قابل تحملی، جای آن را می‌گیرد.» (۴) این اندیشه بیان‌گر دریافت ژرف مارکوزه از سازوکارها و شرایط زنده‌گی انسان مدرن در جامعه سرمایه‌داری صنعتی مدرن است که به‌طور دهشت‌ناکی به سوی ماشینی شدن و تهی شدن از درون‌مایه انسانی به پیش می‌رود. او در تحلیلش از زنده‌گی بی‌رمق و محدود (به لحاظ افت روح بلندپروازانه) چنان پیش می‌رود که چشم‌انداز آزادی را تاریک و تار می‌بیند. «آزادی‌های گمراه‌کننده‌یی که این‌گونه جامعه‌ها، به

تکنولوژی نیست، بلکه شیوه بهره‌گیری از تکنولوژی هم است. او تأکید دارد که سرمایه‌داری بعد از جنگ دوم جهانی، بر همه بحران‌های اقتصادی غلبه می‌یابد؛ اما این غلبه، معطوف به رهایی نیست، بلکه برعکس، به ایجاد «نیازهای کاذب» منتهی می‌شود (۱). آسوده‌گی، خوش‌گذرانی، کار و مصرف مطابق تبلیغ آگهی‌های بازرگانی، دوست داشتن و دشمن داشتن چیزی را که دیگران دوست یا دشمن می‌دارند، نشانه وجود نیازهای کاذب است. ارضای این نیازها به «محدودیت فکری و پذیرش ارزش‌های موجود» (۲) منجر شده و افراد را از تصمیم‌گیری حقیقی باز می‌دارد. مارکوزه این جامعه را «جامعه تکنولوژیک» (تک‌ساختی) می‌نامد که عبارت است از سیستم حاکمیت و نفوذی که در همه شئون زنده‌گی افراد، حتا در اندیشه و

ما شین

نیروی جنبنده‌یی است که با جنبش خود می‌تواند آدمی را به آزادی برگرداند.

«اینک جامعه صنعتی به مرحله‌یی رسیده که فرد دیگر نمی‌تواند به‌راستی خود را با توجه به مفهوم سنتی آزادی (اقتصادی - سیاسی - فکری) آزاد بداند، نه از آن بابت که این آزادی‌ها مفاهیم خود را از دست داده‌اند، بلکه برعکس در مفهوم سنتی خود، گسترش بیشتری یافته‌اند. امروزه از طریق به کاربردن مفاهیم ضد آزادی، به تبیین انواع جدید آزادی می‌توان پرداخت...» (۶)

هربرت مارکوزه تک‌ساختی بودن انسان عصر تکنولوژی را تنها در یک گستره در نظر نمی‌گیرد، بلکه همه گستره‌های زنده‌گی انسان را مد نظر داشته و زیر زره‌بین قرار می‌دهد؛ فلسفه، سیاست، ادبیات، هنر، اقتصاد و... در همه، زمینه انحطاط و فروافتاده‌گی انسان قابل درک است. حیطه فلسفه پوزیتیویسم بیشتر از هر مکتب و گرایش دیگر، آماج حمله‌های کوبنده او قرار می‌گیرد و به چالش کشیده می‌شود. در فلسفه نو تحصیلی امروز، ابهام معانی و مفاهیم ذهنی نیز از میان رفته و واژه‌ها روشن‌گر معنی خاص سودجویانه خویش‌اند. روش این فلسفه در جست‌وجوی معانی و اندیشه‌های بلند نبوده و در حوزه واقعیت موجود، متوقف است. واقعیتی که در ساخت خود بی‌خردانه و بازدارنده جلوه می‌کند. (۷)

از آغاز قرن بیست، کوشش نو تحصیل‌گرایان این بود که اثبات کنند حقیقت نظری یا عملی، امری عینی است نه ذهنی که نتیجه آن، خردگرایی تکنولوژی است و توتالیتریسم؛ در مرحله پیش از صنعتی شدن، نظریات راجع به انسان و طبیعت وجود داشته که در آن‌ها کشمکش و تفاوت بسیار است (مبانی سازنده خرد آدمی با مبانی ویران‌گر آن پیکار جسته‌اند) این اختلافات به پیروزی تفکر مثبت بر اندیشه منفی تمام شده است. تمدن صنعتی امروز، تسلط واقعیت تک‌ساختی بر اندیشه‌ها و به هیچ گرفتن تضادهای موجود، نشانه این پیروزی است.

به نظر مارکوزه، فلسفه نوپوزیتیویستی چنان معطوف به واقعیت موجود است که هرگونه امکان بلندپروازانه و ایده‌آل‌طلبی را سرکوب می‌کند. این سلطه مطلقه، روح عصیان در برابر ناملایمات را که بر انسان معاصر تحمیل می‌گردد، از بین می‌برد.

او در بحثی که پیرامون هنر دارد، هنر را رسالت‌مند می‌داند و می‌نویسد: «ویژه‌گی هنر در تعالی اندیشه هنرمندانه است؛ این بلندپروازی حالتی در هنرمند پدید می‌آورد که با واقعیت‌ها سازگار نیست و برای نسل‌ها آموزنده است.» (۸)

در پایان به عنوان نتیجه می‌توان نوشت: هربرت مارکوزه، تیره‌گی‌ها و ابتدال دوران مدرن را با گسترش اندیشه انتقادی و رویارویی اخلاق، فلسفه و هنر اصیل و متعهد، با فلسفه و هنر منحنط و واقعیت‌زده در جامعه تکنولوژیک (تک‌ساختی) اعلام می‌دارد و اصرار می‌ورزد که ایستاده‌گی علیه هرگونه بت‌سازی از نیروهای تولیدی، و مبارزه علیه اسارت دایمی افراد به‌دست شرایط عینی، مقصد نهایی همه انقلاب‌ها را که همانا آزادی و سعادت آدمی است، برپا خواهند داشت.

پا نوشت:

- ۱- مارکوزه، هربرت؛ انسان تک‌ساختی؛ امیر کبیر، تهران - ۱۳۸۷ ص ۴۵
- ۲- همان ص ۴۸
- ۳- همان ص ۴۴
- ۴- همان ص ۶۰
- ۵- همان ص ۴۳
- ۶- همان ص ۳۷ - ۴۰
- ۷- همان ص ۱۸۹
- ۸- همان ص ۱۰۲



آن روی سکه

(کرزی هم پور غواری هم نور)



داکتر محیی‌الدین مهدی / عضو مجلس

رییس‌جمهور کرزی می‌کوشد قبل از به پایان رسیدن دوره ریاست‌جمهوری‌اش، به دو هدف دست یابد: یکی صلح با طالبان؛ و دیگری امضای موافقت‌نامه امنیتی با ایالات متحده. اما میان او و هدف نخست، پاکستان با تمام امکاناتش حایل است؛ همین‌طور امضای موافقت‌نامه امنیتی نیز

نمی‌تواند در تضاد با موافقت‌نامه‌هایی باشد که - پیش از این - میان پاکستان و ایالات متحده انعقاد یافته است.

در حالی که رییس‌جمهور کرزی، در مقوله «صلح با طالبان» ادامه حیات نظامی را می‌بیند که خود بنیان‌گذار آن است و تمام آرزوهای خود را در وجود آن برآورده شده می‌یابد؛ در امضای «موافقت‌نامه امنیتی» نیز تضمینی را سراغ می‌گیرد که او و

حرفه‌های مسلکی شامل...

نیروی متخصص نیاز دارند، با استخدام کارگران پاکستانی و خارجی نیازمندی‌های خود را رفع می‌کنند.

آمنه افضلی، وزیر کار و امور اجتماعی روز یکشنبه، در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «یکی از مشکلات عمده مردم ما این است که ما جوانان زیادی داریم، ولی مطابق به نیاز بازار کار، آن‌ها تربیه نشده و آموزش ندیده‌اند».

وزارت کار و امور اجتماعی فهرست ۱۳ مهارت را تهیه کرده و برای آموزش این مهارت‌ها، آن را به وزارت معارف تسلیم نموده است. مهارت‌های کاری در عرصه‌های خط آهن، معدن، پیروسس مواد غذایی، هوتلداری و توریسم در این برنامه گنجانده شده‌اند. موسسه «حرکت» که در عرصه فعالیت‌های اقتصادی

په گوشته کی د پاکستان...

په عمل کی بیا سست حرکت کوی.

په ولسی جرگه کی د ننگرهار د خلکو استازی فریدون مومند ماندگار ورځپاڼې ته وویل، چې دی د افغانستان، ناتو او پاکستان د پوځي استازو د افغانستان او پاکستان تر منځ د ستونزو د لرې کولو په اړه سره ناسته کړې او بیا یې یو تړون لاسلیک کړی دی.

ده وویل، چې د تړون د جزیاتو په اړه پوره معلومات نه لري؛ خو هڅه کوي چې د ولسی جرگې له لوري له ملي دفاع وزارت نه د دې موافقې سند تر لاسه کړي.

تېره ورځ د ولسی جرگې غړي او گوشتي ته د ولسی جرگې د استول شوي پلاوي مشر حمیدزې لالی ماندگار ورځپاڼې ته د فریدون مومند له قوله ويلي ول، چې افغان، امریکایي او پاکستانی ځواکونه د یوه تړون په کولو سره د پاکستان مخکې ته راتگ ته سلا شوي ول.

هغه وایی، دا چې په دې تړون کې څه راغلي او څه پرېکړې په کې شوي دي، نا خبره دی.

نوموړي زیاتوي، په گوشته کې اوس وضعیت عادي حالت ته را گرځېدلی او کومه ستونزه نشته او دواړه غاړې په خپلو سنگرونو کې ناست دي.

د ښاغلي مومند په وینا، دوی د ناتو، افغان او پاکستانیو ځواکونو تر منځ د جوړ جاري او پاکستان ته د خاورې د سپارلو په اړه اسناد او شواهد په واک کې نه لري؛ خو زیاتوي چې په دې برخه کې د افغان چارواکیو د ناغېرې له امله پاکستان د افغانستان خاوره لاندې کړې ده.

فعالیت می‌کند، نیازمندی‌های بازار کار افغانستان را تشخیص داده و این برنامه بر اساس تقاضای کار در بازارهای افغانستان ترتیب شده است.

رشد بیکاری

در سال‌های اخیر بیکاری فارغان صنوف دوازدهم به یک مشکل تبدیل شده است. جوانانی که پس از فراغت از مکتب، به دلایلی نمی‌توانند تحصیل خود را ادامه دهند، زمینه جذب آن‌ها در بازار کار محدود است.

خانم افضلی ابراز امیدواری کرد که پس از این جوانانی که از مکاتب فارغ می‌شوند بیکار نمانند: «این خود می‌تواند مایه امیدواری باشد، در آینده که نسل جوان بتوانند مطابق به نیاز بازار کار آموزش ببینند». آصف ننگ، معین وزارت معارف گفت با تطبیق این

دی زیاتوي، له کوم مهال چې عبدالرحمن خان د ډیورنډ تړون لاسلیک کړی پاکستان دې سیمې ته نه و راغلی، لکه اوس چې د افغانستان خاورې ته را ننوتی او لامل یې د حکومت لټي او بې غوري ده.

د ولسی جرگې دغه غړی وایی، د افغانستان هېڅ واکمن اجازه نه ده ورکړې، چې پاکستان مخ ته راشي، حتی د طالبانو واکمنی. پاکستان ته دا اجازه نه وه ورکړې، بلکې د طالبانو د واکمنی پر مهال پاکستان له اوسنی نقطې دېرش کیلومتره شاته و؛ خو اوس مخ ته راغلی دی.

د ده په اند، په هېڅ صورت به پاکستان چمتو نه وي، چې اوسنی نیول شوې سیمې تخیله کړي او نه د دې امکان ویني چې بېرته شاته لاړې شي.

فریدون مومند زیاتوي، چې د پاکستان او ډیورنډ کرښې په اړه د افغان حکومت اوسنی دریځ او د چارواکیو څرگندونې هم لنډمهاله دي. دی وایی، په تېرو یوولسو کلونو کې یې ولیدل، چې افغان حکومت تند غبرگون ښيي او تندې څرگندونې کوي؛ خو په عمل کې بیا ډېر سست دي.

د نوموړي په وینا، د حکومت په دې څرگندونو دوی او ولس باور نه لري او تل تند غبرگون د خلکو او ولس د ارامولو لپاره ښودل کېږي.

همدارنگه د ننگرهار د ولایتي شورا غړې حاجي ذبیح الله زمري ماندگار ورځپاڼې ته وویل، چې دمگړې په گوشته کې ارامي ده او وضعیت عادي شوی دی. هغه وایی، د پنجشنبې په شپه چې د افغان او پاکستانیو ځواکونو تر منځ نښته شوې وه، داسې ادعاوې شوې وې،

۸۰۰ سرباز آلمانی در شمال...

و آموزش نیروهای امنیتی افغانستان نیز سخن زد و افزود: نیروهای امنیتی افغان (ارتش، پولیس و امنیت ملی) به گونه‌یی تجهیز شده‌اند که توانایی تامین امنیت و مبارزه با حملات طالبان را داشته باشند.

از سوی دیگر، جنرال فولمر با بیان اینکه انتخابات سال ۲۰۱۴ یک سال سرنوشت ساز برای مردم و دولت افغانستان است ابراز داشت: نیروهای خارجی در افغانستان برای تامین امنیت انتخابات با نیروهای امنیتی همکاری‌های لازم را انجام خواهند داد.

وی تأکید کرد: امنیت انتخابات آینده ریاست‌جمهوری افغانستان توسط نیروهای امنیتی این کشور تامین می‌شود و در صورت نیاز نیروهای بین‌المللی نیز با نیروهای امنیتی افغان همکاری خواهند کرد.

نامبرده ادامه داد: هماهنگی‌ها برای تامین امنیت انتخابات آینده ریاست‌جمهوری افغانستان که در سال ۲۰۱۴ برگزار می‌شود میان نیروهای بین‌المللی و نیروهای افغان صورت گرفته است.

وی افزود که نیروهای امنیتی افغانستان تا حدی تجهیز و مجهز شده‌اند که امنیت انتخابات آینده را تأمین کنند.

در عین حال، جنرال یورگ فولمر با پذیرفتن اینکه بعضی از مناطق در شمال کشور ناامن است، می‌گوید: نیروهای امنیتی افغان با پشتیبانی نیروهای بین‌المللی تلاش دارند که مناطق نا امن را امن سازند.

از سوی دیگر، فرمانده نیروهای آیساف در شمال کشور از حضور نیروهای آلمان پس از سال ۲۰۱۴ در شمال کشور خبر داده و می‌گوید: نیروهای آلمان برای همکاری با مردم و دولت افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی خواهند ماند.

وی با بیان اینکه نیروهای آلمانی در شمال کشور همکاری‌ها و پشتیبانی مردم را با خود دارند افزود: نزدیک به ۸۰۰ نیرو آلمانی پس از سال ۲۰۱۴ در شمال افغانستان باقی خواهند ماند.

وی همچنین ادامه داد: که در کنار نیروهای آلمانی نیروهای دیگر آیساف نیز در افغانستان برای همکاری، حمایت و آموزش نیروهای امنیتی افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ در این کشور حضور خواهند داشت.

فرمانده آیساف در شمال کشور معتقد است که نیروهای آیساف در یک دهه گذشته در افغانستان دستاوردهای زیادی را داشته‌اند.

وی همچنین اطمینان داد: که در آینده نیز نیروهای آیساف به ویژه نیروهای آلمانی مستقر در شمال کشور با مردم و دولت افغانستان همکاری‌های همه‌جانبه را پس از سال ۲۰۱۴ انجام خواهند داد.

گفتنی است که هم اکنون نیروهای آلمان بیش از ۴ هزار نیرو در تشکیلات نظامی آیساف در افغانستان دارد که بیشتر این نیروهای در شمال کشور جابه‌جا هستند.

این در حالی است که نگرانی‌ها از افزایش نا امنی‌های پس از سال ۲۰۱۴ همزمان با بیرون شدن نیروهای خارجی از افغانستان وجود دارد اما مقامات بلند پایه نظامی در کشور همواره اطمینان می‌دهند که نیروهای امنیتی پس از سال ۲۰۱۴ توان تامین امنیت کشور را دارند.

لتوکوب خبرنگاران...

از افراد مانع دست یافتن خبرنگاران به اطلاعات می‌شوند. او گفت، آزادی بیان هنوز هم در کشور نهادینه نشده و خبرنگاران از سوی زورمندان لت و کوب می‌شوند.

اما دین محمد مبارز راشدی، معاون نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ، رسانه‌ها را در کشور بهترین حامی و محافظ عنوان کرد و خواهان نشر برنامه‌هایی در رسانه‌ها شد که برای مردم مفید و مثبت واقع می‌گردد.

آقای راشدی خاطر نشان کرد: باید تمام رسانه‌ها تبدیل به یک قدرت فرهنگی در جامعه شوند و نباید نقد نظریات به معنی دشمنی میان رسانه‌ها تلقی گردد.

همچنان، محمد یعقوبی خبرنگاری که چندی پیش در شهر هرات زخم برداشته بود و حالا برای کشیدن گلوله از بدنش به هندوستان می‌رود، خطاب به خبرنگاران در کابل گفت که اگر قوی شوید گلوله آنقدر هم درد ندارد.

از سوی دیگر، برخی از مسوولان رسانه‌ها و خبرنگاران از عدم به اجرا در آمدن قانون دسترسی به معلومات ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند که از سال‌هاست که این قانون در ادارات دولتی سرگردان است.

آنان از حکومت و مجلس نماینده‌گان خواستند تا قانون دسترسی به معلومات را هر چه عاجلتر تصویب کنند.

همچنان در این محفل برای گرامی‌داشت از این روز به شماری از خبرنگاران، تصویر برداران و گرداننده‌گان برنامه‌های رسانه‌ها جوایز و تقدیر نامه‌ها توزیع شد که سه تن از خبرنگاران به حیث خبرنگاران برتر سال شناخته شدند.

برنامه بخش بزرگی از خلای افراد متخصص در بازار کار رفع خواهد شد: «با تکمیل این پروژه بخش اعظم نیاز مارکیت کار مرفوع می‌شود. وزارت معارف در دو سال گذشته توانست، تعداد انستیتوت‌های مسلکی و حرفوی را از ۲۶ به ۹۰ ارتقا دهد».

براساس آمار وزارت معارف، در سال جاری ۳۱۵ هزار شاگرد از مکتب‌های افغانستان فارغ می‌شوند. این وزارت پیشبینی کرده است که در سال آینده نزدیک به ۴۰۰ هزار شاگرد فارغ التحصیل خواهند شد.

این در حالی است که تنها ۱۰۰ هزار تن از فارغان در موسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی جذب می‌شوند. به این ترتیب، شمار فارغان سیر صعودی دارد ولی ظرفیت جذب در دانشگاه‌ها همه ساله کمتر می‌شود.

چې افغان ځواکونو د پاکستان له لوري جوړه شوې دروازه او نور تاسیسات وران کړي؛ خو دغه ټولې خبرې حقیقت نه لري.

نوموړی په دې باور دی، چې په گوشتې ولسوالۍ کې د افغانستان په خاوره کې د پاکستان له لوري جوړ شوي تاسیسات او دروازه پر خپل ځای پاتې او یوازې د توپ یوه مرمی. د دروازې په یوه څنډه لگېدې؛ خو دروازه او تاسیسات نه دي نړل شوي.

د ده په خبره، د افغانستان خاورې ته د پاکستان مخکې راتگ د حکومت کمزوري او ضعف ښيي هم د ولایت او هم د هېواد په کچه.

ښاغلی زمري وایی، د پاکستان په مخکې راتک کې چې څو کاله وړاندې شوي امریکا هم گرمه ده ځکه پاکستان ته یې د دې زمینه برابره کړې ده.

نوموړي وویل، خو اوس چې پاکستان په سیمه کې تاسیسات او دروازه جوړوي په دې کې ولایتي ادارې ډېره ناغېرې کړې ده، ولسمشر سره یې خبره نه ده شریکه کړې او هر څه یې بې پروا گڼلې دي.

هغه زیاتوي، تاسیسات د یوې ورځې کار نه دی له ډېر وخت راهیسې یې چارې پیل شوې وې؛ خو له علایمو یې ښکاري، چې ولایتي مسوولین او د سیمې قومي متنفذینو په کې لاس درلودو.

د یادونې وړ ده، چې ویل کېږي پاکستانیو ځواکونو په کونړ کې هم تاسیسات پیل کړي؛ خو موږ په وار وار هڅه وکړه چې په دې اړه د کونړ د والي نظر هم واخلو، په وار وار زنگ وهلو سره سره بیا هم ونه توانېدو.



افغانستان به میدان...

تا حالا در محور افراد جمع شدیم، اکنون نیاز است در محور یک برنامه ملی که بتواند برای سال ۲۰۱۴ و پس از آن موثر باشد، جمع شویم. شما اشاره کردید که دولت در یک سردرگمی به سر می‌برد، این سردرگمی ناشی از چه است؟ من فکر می‌کنم که چند عامل سبب این سردرگمی شده است:

نخست، حکومت فاقد یک دورنماست؛ حکومت مسوولیت دارد که در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... دارای یک دورنما باشد، ولی حکومت افغانستان بیشتر بالای پروسه صلح تمرکز کرده است، پروسه‌یی که آن‌هم هیچ دست‌آوردی نداشته است؛ رییس‌جمهور فراتر از این، به چه‌گونگی زنده‌گی مردم، روند اجتماعی، تغییر در وضعیت معیشتی شهروندان، کمتر فکر کرده است. آقای کرزی روی ایجاد حکومتی مؤثر، کارا و مردمی تا اکنون نیندیشیده است.

تا یک سال دیگر ما شاهد دو رویداد مهم در تاریخ افغانستان یعنی خروج نیروهای خارجی و برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری خواهیم بود، باتوجه با این دو رویداد، فرداها را چه‌گونه پیش‌بینی می‌کنید و در کل وضعیت چه‌گونه خواهد شد؟

این دو رویداد خیلی مهم است. در سال ۲۰۱۴ نیروهای خارجی از کشور خارج می‌شوند و خروج آن‌ها بسته‌گی به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری دارد و این که در آینده چه‌گونه حکومتی به سر قدرت می‌آید. اگر نظام تغییر کند و مردم بتوانند با رأی خود یک شخص خوب را انتخاب کنند، من باور دارم که انتقال امنیتی- سیاسی تأثیرات منفی زیاد نخواهد گذاشت؛ برای این‌که هنوز کشورهای کمک‌کننده و دنیا علاقه‌مند هستند که در افغانستان باقی بمانند و هم‌چنان کمک کنند. اگر ما یک انتخابات سالم نداشته باشیم و نتیجه‌اش مورد قبول مردم افغانستان نباشد و یا هم نتیجه انتخابات از قیل مهندسی شده باشد و حکومت در فکر این باشد که در انتخابات به نفع افراد و اشخاصی که نزدیک به تیم حاکم هستند، تقلب کند و آن‌ها را به قدرت برساند، در این صورت ما شاهد بحران جدی‌تر از بحران امروز خواهیم بود؛ زیرا از یک دهه بدین‌سو مردم سنگینی تیم حاکم را بر شانه‌های خویش احساس می‌کنند و دیگر اجازه نمی‌دهند که رییس‌جمهور در این کشور طرح پوتین و مدودوف را عملی کند.

با نزدیک‌شدن زمان برگزاری انتخابات، برخی آگاهان ادعا می‌کنند که وضعیت امنیتی شمال کشور به گونه سازمان‌یافته نامن شده است، به باور شما دلایل این ناامنی‌ها چیست؟

یعنی چنین چیزی به وضوح مشاهده می‌شود، در برخی مناطق همچنان بدخشان هیچ‌کس گمان نمی‌کرد که آن مناطق ناامن شود و در فرصت کوتاه این ولایت خیرساز شود، این همه نشانه نامن‌سازی سازمان‌یافته و اخلال انتخابات است. برخی‌ها فکر می‌کنند که در انتخابات آینده نقش‌شان کم‌رنگ است و دیگر هیچ زمینه و جایگاه سیاسی در افغانستان ندارند، بنا آن‌ها می‌خواهند وضعیت امنیتی را در مناطقی خراب کنند که آن مناطق به شکل طبیعی امن بوده است. من فکر می‌کنم، ذهنیت اصلی در گسترش ناامنی، ضعف و ناتوانی دولت است که روز تا روز دامنه ناامنی‌ها در کشور گسترش می‌یابد. دولت به‌گونه عملی می‌خواهد برخی مناطق را ناامن بسازد، تا در آن مناطق زمینه برگزاری انتخابات محلود شود و یا اصلاً انتخابات برگزار نشود، رییس‌جمهور خواهان تداوم قدرت خود است؛ او می‌خواهد روندی را که وی در بیش از یک دهه حاکم بوده، هم‌چنان تداوم بخشد.

رهبان سیاسی، نخبگان و نهادهای جامعه مدنی، چه مسوولیت و مکلفیتی در آستانه این دو رویداد مهم و سرنوشت‌ساز دارند؟

عمده‌ترین مسوولیت رهبران سیاسی و نخبگان این است که آن‌ها یک برنامه کلان سیاسی را طرح کنند و سپس همه برای تأمین منافع ملی، دور این برنامه جمع شوند. من فکر می‌کنم تداوم کار مدنی در افغانستان بسته‌گی به نتیجه انتخابات سال ۲۰۱۴ دارد. نهادهای مدنی که اساساً غیرسیاسی عمل می‌کنند، این‌ها هم مسوولیت دارند روی یک برنامه کلان ملی در کنار گروه‌های دیگر کار کنند و بدیل خوبی برای مهار بحران و حکومت آینده ارائه کنند. آن‌ها باید در تفاهم با رهبران و نخبگان سیاسی عمل کنند، مسوولیت و رسالتی را که رهبران و نخبگان سیاسی و در کل شهروند چیزفهم و آگاهان سیاسی در این دو رویداد مهم دارند این است که آن‌ها بحران را مدیریت کنند و بیش از این انتظار نکشند که دولت ضعیف و ناکاره چه‌کار می‌کند. همزمان با فرارسیدن موعد خروج نیروهای خارجی از کشور، برخی‌ها ابراز نگرانی می‌کنند که افغانستان دوباره به گذشته بر می‌گردد و ممکن مردم بازهم شاهد جنگ‌های داخلی در کشور باشند، این نگرانی‌ها تا چه حد می‌تواند به‌جا باشد؟

من باور ندارم که افغانستان دو باره به نقطه صفر برگردد، حالا مردم آگاه شده‌اند، شهروندان دیگر کورکورانه حاکمیت طالبان را نمی‌پذیرند، همه سهولت‌ها و ابزارهای اطلاعاتی در افغانستان ایجاد شده، اگر در گذشته طالبان در روی جاده‌ها علیه مردم خشونت روا می‌داشتند، تنها مردمی که در آن‌جا حضور داشتند، این صحنه را تماشا می‌کردند، اگر



دیروز زنی به جرم پوشیدن جراب هم‌رنگ طالب، مورد خشونت قرار می‌گرفت، شوهرش تماشگر بود و هیچ کس دیگری نمی‌توانست مداخله کند. حالا خوش‌بختانه امکانات الکترونیکی و رسانه‌یی به‌وجود آمده که کوچک‌ترین رخداد به تمام دنیا بازتاب می‌یابد و همان مقوله‌یی که می‌گویند جهان به دهکده کوچک مبدل شده، مصداق پیدا کرده است. فعلاً مردم می‌توانند باتوجه به این ابزارها و تکنالوژی معاصر دنیا را در فرصت کوتاه در جریان قرار دهند. از این‌رو ما از لحاظ آگاهی و تحول اجتماعی بار دیگر به نقطه صفر بر نمی‌گردیم.

اما من از یک لحاظ تشویش دارم، ممکن برخی افرادی که اکنون در قدرت هستند، از ترس این‌که قدرت‌شان را از دست ندهند، در تبانی با طالبان و حلقه‌های دیگر از راه غیردموکراتیک بخواهند طالبان را شامل قدرت سیاسی بسازند، ولی در این صورت، کسانی هستند که وقتی طالبان به‌شکل غیر دموکراتیک وارد قدرت شوند، آن‌ها هم بی‌تفاوت نخواهند بود و از حق مدنی مردم خویش دفاع خواهند کرد.

اگر قرار باشد طالبان دوباره برگردند، از بین بردن ابزارهای الکترونیکی را که شما از آن نام بردید، می‌تواند به ساده‌گی از بین ببرند.

این دیگر ممکن نیست، زیرا جامعه جهانی یک‌سری تعهداتی به مردم افغانستان داشته‌اند. اگر افراد و اشخاص یا گروهی در داخل نظام به این فکر باشد که دوباره فکر طالبانی را در کشور حاکم بسازند، هم به مقاومت اجتماعی و هم به مقاومت جهانی رو برو خواهند شد.

شماری از آگاهان دولت را برای ایجاد تفکر طالبانی در کشور متهم می‌کنند و همچنان در ناامنی‌های برخی مناطق کشور مقصر می‌شمارند، شما در این خصوص چه نظر دارید؟

امتیازدهی بیش از حد به طالبان و خوش‌بینی‌های عاطفی و سلیقه‌یی در داخل نظام نسبت به آن‌ها وجود دارد که این از سلیقه‌های کوچک منطقی‌یی سر چشمه می‌گیرد. خوش‌بینی بیش از حد برخی حلقه‌های دولتی باعث این شده که طالبان از یک هويت گم نام دوباره به یک هويت مطرح در سطح جهان تبدیل شوند، زیرا هستند کسانی که برای دوباره به قدرت رساندن طالبان از داخل نظام تلاش می‌کنند.

مسأله دردناک دیگر این است که در این اواخر جهان از عینک پاکستان به افغانستان می‌بیند، مردم شاهد بودند که اخیراً رییس‌جمهور کشور به بروکسپل رفت و در آن‌جا خلاف عرف دیپلماتیک و ادبیات سیاسی با کسی که اصلاً هم سطحش نبود، ملاقات کرد. پاکستانی‌هایی که در انزوا قرار داشتند، آقای کرزی با این ملاقات‌ها بیشتر برای آن‌ها هويت بخشید.

حالا نگرانی من این است که مردم افغانستان و نخبگان

کشور در تصمیم‌گیری‌های سیاسی در حاشیه قرار داده شدند، ممکن روزگاری فرا برسد که بدون مشوره با مردم و نهادهای دموکراتیک قدرت به شکل غیردموکراتیک با طالبان شریک ساخته شود.

آیا انتخابات ریاست‌جمهوری آینده می‌تواند برای عبور از وضعیت موجود کارساز باشد و آیا مردم افغانستان شاهد برگزاری انتخاباتی دموکراتیک، شفاف و عادلانه خواهند بود؟

پیش از برگزاری انتخابات برخی پیش‌زمینه‌هایی مطرح است: نخست از همه به وجود آوردن یک مجموعه سیاسی هم‌فکر که بدیل قابل اعتماد برای نظام پیش‌رو باشد. مردم افغانستان باید بدانند که اگر تا یک سال دیگر از فقر، نبود خدمات اجتماعی، ناامنی، تبعیض و بی‌عدالتی رنج می‌برند، پس از آن دیگر نظام قابل اعتماد به وجود می‌آید.

حالا نگرانی در این‌جاست که هنوز گروه‌های اپوزیسیونی و حلقه‌های سیاسی در محور یک برنامه برای به دست گرفتن قدرت سیاسی خود را آماده نساخته‌اند؛ هر چند فرصت وجود دارد، اما برای کار سیاسی نا وقت شده است.

اگر در افغانستان انتخابات برای به وجود آوردن یک بدیل بهتر باشد مردم علاقه‌مند هستند که به پای صندوق‌های رأی بروند؛ اما اگر انتخابات به‌خاطر خاک‌زدن به چشم شهروندان باشد و اگر قرار باشد بازهم افراد و اشخاصی با استفاده از امکانات دولتی دست به تقلب بزنند، دیگر هیچ کسی آماده نیست، به چنین افراد و اشخاصی رأی بدهند. ما انتخابات را به منظور تغییر و بدیل واقعی می‌خواهیم.

قسمی که شما بیشتر اشاره داشتید، برخی‌ها معتقد هستند که رییس‌جمهور از آن‌چه در روسیه گذشت به عنوان یک رویکرد در افغانستان استفاده کند، نگاه شما به این مسأله چیست؟

همه اقتضای جامعه از این وضعیت شدیداً نگران هستند، من به عنوان یک شهروند با توجه به آن‌چه که در روسیه گذشته بارها ابراز نگرانی کرده‌ام که آقای کرزی در چانه‌زنی است تا در نظام بعدی بازهم اقتدار خودش را حفظ کند.

من نگران چند مسأله اساسی هستم: نخست: بدتر شدن وضعیت امنیتی؛ ناامنی‌ها زمینه‌ساز تقلب است و حتا در برخی موارد زمینه‌ساز برگزاری نشدن انتخابات خواهد بود.

دوم: مهندسی نتیجه انتخابات است که از همین حالا قدم‌هایی به منظور تقلب برداشته شده است، شما در جریان هستید که کمیسیون انتخابات اعلام کرده که مردم می‌توانند از برگه‌های رأی دهی فعلی استفاد کنند، درحالی که این کارت‌ها متأسفانه در بسیاری از مناطق افغانستان به بوری‌ها توزیع شده است. در ضمن زمینیه‌یی که مردم مطمئن شوند، از این کارت‌ها دوبار و سه بار استفاده نمی‌شود، چیست؟ امیدوارم که رییس‌جمهور قانون انتخابات و قانون تشکیل صلاحیت‌های کمیسیون انتخابات را که فعلاً به سر می‌زش است، به زودی توشیح کند، تا حد اقل افراد و اشخاص بی‌طرف و صادق به مردم در روشنی این قوانین تعیین شوند.

درحال حاضر اراده‌یی برای برگزاری انتخاباتی با معیارهای حداقلی، کمتر دیده می‌شود؛ زیرا از زمانی که مجلس دو قانون را تصویب کرده، تا اکنون در دفتر رییس‌جمهور است و هنوز از جانب او توشیح نشده است. هنگامی که قوانین به ذوق آقای کرزی باشد، در مدت کمتر از یک هفته توشیح می‌شود. گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که رییس‌جمهور قانون تشکیل صلاحیت‌های کمیسیون انتخابات را به دادگاه عالی می‌سپارد، تا مطابقت این قانون را با قانون اساسی بررسی کند. در نهایت این قانون یک پروسه طولانی را در دادگاه عالی می‌پیماید.

سوم: مداخله افراد غیرمسئول که وزارت داخله به نام اربکی و یا پولیس محلی ایجاد کرده است. در مناطق امن مردم اصلاً نیاز ندارند پولیس محلی ساخته شود؛ این خود یک تهدید برای تأمین امنیت است و پولیس محلی ابزار تقلب در انتخابات است.

در کل به چند برنامه اساسی در انتخابات پیش‌رو ضرورت داریم:

یک: اراده سیاسی از طرف حکومت افغانستان به وجود بیاید؛ انتخابات برگزار شود و آن‌هم انتخابات به‌خاطر ارزیابی رأی مردم دایر شود، نه به‌خاطر این که مردم تنها بروند پشت صندوق‌های رأی.

دوم: یک میکانیزم امنیتی در انتخابات در نظر گرفته شود؛ در این پلان در کنار ارگان‌های امنیتی باید نیروهای ناتو هم دخیل باشند.

در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری برخی از رهبران سیاسی از طرح آجندای ملی و اجماع ملی سخن می‌گویند، نگاه شما به این طرح‌ها چیست؟

من رساله آجندای ملی را به دست آوردم و آن را دقیق از نظر گذراندم. در این رساله، برخی از مسایل مهم و طرح‌های کلان ملی را یافتم. در ماه‌های پسین طرح آجندای ملی در میان احزاب و حلقه‌های سیاسی نسبتاً جا افتاده است؛ در یک دهه پسین یک چنین طرحی با این روش و اندیشه ملی‌گرایانه، از جانب هیچ یک از مهره‌های محوری و رهبران سیاسی مطرح نشده بود. بودند کسانی که طرح و برنامه داشتند، ولی یک برنامه‌یی که از لحاظ محتوایی چیزهایی را در خودش داشته باشد، وجود نداشت؛ اگر احزاب سیاسی و گروه‌ها طرح آجندای ملی را یک مقدار دیگر هم فربه بسازند، این طرح می‌تواند بدیل مناسب برای تأمین امنیت و تحقق عدالت اجتماعی باشد.

هرج و مرج در افغانستان با نام پاکستان گره خورده است. زیرا پاکستان همواره از ترویست‌ها و طالبان حمایت کرده است؛ اما بر خلاف دولت افغانستان در برابر عملکرد پاکستان در یازده سال گذشته انعطاف نشان داده است؟

پاکستان تا چه زمانی از طالبان حمایت خواهد کرد؟

حکومت افغانستان همواره در برابر عملکرد پاکستانی‌ها از خود انعطاف نشان داده و تعادل دیپلوماسی را رعایت نکرده است. باید حکومت یک سیاست تهاجمی و فعال را در برابر پاکستان داشته باشد؛ بیاد دارم که سال قبل رییس‌جمهور پاکستان به کنفرانس شیکاگو رفت و می‌خواست که در این کنفرانس سران کشورهای جهان از جمله اوباما رییس‌جمهور امریکا را ملاقات کند. ولی اوباما، آصف علی زرداری رییس‌جمهور پاکستان را ملاقات نکرد.

هدف او از حضور در این کنفرانس این بود که از فرصت‌های طلایی که به نفع افغانستان ایجاد شده، به سود کشورش استفاده کند، چون در آن وقت پاکستان در انزوا قرار داشت، رییس‌جمهور ما نتوانست از این فرصت‌ها به نفع افغانستان استفاده کند.

آقای کرزی همواره با یک سیاست تضرع با پاکستانی‌ها پیشرفته است. وقتی پاکستان دست از مداخله در امور افغانستان بر نمی‌دارد، حکومت افغانستان باید دادخواهی کند و این مسأله را با شورای امنیت در میان بگذارد؛ ما همه انگیزه وطن پرستی داریم و حاضریم که زن و مرد در برابر تجاوز هر کشوری از سر زمین مان دفاع کنیم؛ اما از لحاظ نظامی ما در سطح پاکستان نیستیم، باید حکومت افغانستان عاقلانه و هوش‌مندانه با این چالش‌ها برخورد کند و نقطه بحران را بخشکاند. ما هنوز جامعه جهانی را در کنار خود داریم که در هماهنگی با آن‌ها بتوانیم پاکستان را قناعت دهیم و یا با یک واقع‌بینی سیاسی خواست پاکستان را بپذیریم.

راه‌های عبور از بحران کنونی چیست؟

پیش از همه، روی اختلافات با پاکستان باید گفت‌وگو صورت گیرد؛ ولی گفت‌وگو با پاکستان بر سر مسأله صلح و آمدن طالبان به میز مذاکره اصل مسأله نیست؛ ما نیاز داریم در برخورد‌های خود با پاکستان استراتژیک و عمیق برخورد کنیم، زیرا طالبان یک پروژه بحران در آسیای میانه هستند. اگر طالبان هم از بین بروند یک پروژه بحران دیگر ساخته می‌شود، ما باید ریشه‌های بحران را بخشکانیم، تا دیگر پاکستان به شکل دوامدار از بنیادگرایی به‌عنوان یک ابزار استفاده نکند.

شما اشاره کردید که باید با پاکستانی‌ها صادقانه برخورد شود، آیا حکومت افغانستان نسبت به پاکستانی‌ها صادقانه برخورد نکرده است؟ در کل پاکستان چه می‌خواهد؟

پاکستان باید در سیاست خود تغییر به وجود بیاورد؛ این کشور همواره در فصل سیاست، موسومی برخورد کرده است، دلیلش این است که هم طرف پاکستان و هم جانب افغانستان هیچ‌گاهی حاضر نشده‌اند که روی مسایل عمده صحبت کنند؛ بعضی از مسایل است که پاکستانی آن را حل شده می‌پندارند، حتا اگر با یک فرد عادی پاکستان روی مسأله دیورند حرف زده شود، او می‌گوید این مسأله حل شده است. پاکستان ابزاری را به نام طالب ساخته که توانسته است از آن خوب استفاده کند، پس چه ضرورت دارد که آن را بر سر میز مذاکره با ما بنشانند. پروژه پاکستان پروژه بحران است؛ تازمانی که معضل تاریخی با آن‌ها حل نشود، آنان این روند را ادامه می‌دهند.

نقش پاکستان در تأمین امنیت و صلح در افغانستان چیست؟

اگر پاکستان صادق باشد، می‌تواند نقش خوبی داشته باشد؛ زیرا آن‌ها به جامعه جهانی و کشورهای منطقه توری وانمود کرده‌اند که کلید معضل افغانستان در دست پاکستان است، بی‌تردید که چنین است؛ ولی حکومت ما نتوانست در برابر این ادعاها نقش خوب‌تر داشته باشد و نگذارد که همه امتیازها به پاکستانی‌ها داده شود.

شما اشاره کردید که راه حل کشاندن طالبان بر سر میز مذاکره نیست، طرف اصلی گفت‌وگوهای صلح کی باید باشد؟

اگر واقعاً ما یک راه حل منطقی‌یی به صلح و امنیت در افغانستان می‌خواهیم باید طرف اصلی مذاکره ما پاکستان باشد؛ اما پیش از این، ما به یک اجماع ملی نیاز داریم و یک تعریف مشترک از صلح باید داشته باشیم. مثلاً تعریف رییس‌جمهور از صلح این است که یک گروه طالب وارد می‌کنند، مورد بخشش قرار بگیرند. همین گونه هرکس هرگونه تعریفی از صلح دارد. ما باید اول روی پروژه‌های بحران‌زایی که تا اکنون پاکستان در امور افغانستان داشته با این کشور صحبت کنیم؛ اگر قرار این باشد صلح با نفی هويت زن و تمام مؤلفه‌های انسانی با طالبان برقرار شود، در این صورت من هرگز این گونه صلح را نمی‌خواهم.

از جانب دیگر، تا هنگامی که به هند و پاکستان اطمینان داده نشود که افغانستان با ثبات به نفع هر دو کشور است، آن‌ها بحران را ادامه می‌دهند، در واقع افغانستان تبدیل شده به یک وسیله و میدان انتقام گیری پاکستان و هندوستان.

به باور شما بحران موجود در افغانستان ناشی از چیست؟ ضعف مدیریت و ناتوانی کارگردان اصلی حکومت، نبود کار و اشتغال، عوامل بیرونی و مداخله سریع و آشکار برخی از کشورهای همسایه و منطقه در امور افغانستان، قوم‌گرایی، عدم تطبیق قانون، عدم تحقق عدالت و برخی از مسایل دیگر، سبب بحران موجود در کشور شده است.

Mandegar

فوزیه کوفی رییس کمیسیون امور زنان، حقوق بشر و جامعه مدنی مجلس: افغانستان به میدان انتقام گیری هند و پاکستان تبدیل شده است

طالبان پروژه بحران در آسیای میانه هستند



خانم کوفی کوفی رییس کمیسیون امور زنان، حقوق بشر و جامعه مدنی مجلس افغانستان در گفت و گو ویژه با ماندگار، فرصت در اختیار ما گذاشتید.

به عنوان یک عضو مجلس و منتقد نظام، وضعیت کنونی کشور را چه گونه می بینید و افغانستان به کدام مسیر می رود؟ نخست از شما و روزنامه ماندگار به خاطر راه اندازی گفت و گوهای ویژه با صاحب نظران تشکر می کنم. در واقع جای این گونه مصاحبه های اختصاصی و طرح ها در روزنامه های کشور خالی بود. وضعیت فعلی کشور از لحاظ اجتماعی و جامعه شناسی افغانستان خیلی پیش رفته است؛ اکنون مردم به آگاهی نسبی رسیده اند، یک مقدار متحول شده اند؛ عمده ترین مسأله، آماده گی ذهنی شهروندان برای پذیرش پدیده های مدرن است که در گذشته مردم در برابر برخی از این پدیده ها، ایستاده گی می کردند؛ چون در گذشته هنگامی که یک پدیده نو در افغانستان وارد می شد، مردم فکر می کردند که این پدیده در مغایرت با اسلام است و در برابر آن مقاومت می کردند، ولی اکنون شهروندان به خود آگاهی رسیده اند و میزان آگاهی شان بالا رفته است. حالا خوش بختانه این ذهنیت

در حال تغییر است، مردم با بسیاری از مقوله های نوین جهان مثل دموکراسی، حقوق بشر، جامعه مدنی، آزادی بیان، آزادی رسانه ها و ... آگاهی حاصل کرده اند. اما به لحاظ سیاسی فکر می کنم که دولت افغانستان دچار یک نوع سردرگمی سیاسی شده است. احزاب سیاسی و گروه های اپوزیسیونی که در مخالفت با نظام قرار دارند، این ها فاقد طرح و برنامه برای مسایل کلان ملی هستند. به گونه مثال: در پروسه صلح و تغییر نظام جدید و برگزاری انتخابات، گروه های اپوزیسیونی یک طرح و بدیل مناسب را تاکنون برای شهروندان افغانستان ارائه نکرده اند. از جانب دیگر، از عمر حکومت کنونی هم بسیار کم باقی مانده است، مسوولان دولتی بیشتر در فکر کمپاین های سیاسی و ادامه حیات سیاسی خویش هستند، با توجه به این مهم، من وضعیت را خیلی پیچیده می بینم؛ اما از لحاظ اجتماعی پیشرفت های خوبی صورت گرفته است. امیدوارم که گروه ها و حلقه های سیاسی روی یک برنامه جامع ملی جمع شوند، زیرا ما...

ذبیح الله زمی:

په گوشته کی د پاکستان دروازه او تاسیسات پر خپل های ولاړ دي

فریدون مومند: د ولسمشر ویناوې لنډمهاله دي



د ننگرهار د ولایتي شورا یوشمېر غړي وايي، چې د پاکستان له لوري په گوشته کې د افغانستان په خاوره کې جوړ شوي تاسیسات او درول شوي دروازه پر خپل حال دي او یو یې هم نه دي نړول شوي.

له دې وړاندې داسې ادعا شوې وه، چې د افغان او پاکستانیو ځواکونو تر منځ د پنجشنبې په شپه په نېټه کې افغان ځواکونه توانېدلي، چې د پاکستان جوړ شوي تاسیسات او دروازه له منځه یوسي.

په همدې حال کې د ولسي جرگې یوشمېر غړي وايي، چې حکومت د پاکستان پر وړاندې تند غبرگون ښيي؛ خو... ادامه صفحه ۶

یک سرباز نیروهای ویژه آلمان در بغلان کشته شد

ارتش آلمان اعلام کرده است که گروه طالبان یک سرباز آلمانی را در ولایت شمالی بغلان کشته اند.

نیروهای آلمانی همچنین گفته اند که یک سرباز دیگر آلمانی نیز مجروح شده است. سلطان محمد عبادی والی بغلان به بی بی سی گفت که شورشیان، در منطقه بلوچ ولسوالی بغلان مرکزی با نیروهای افغان و آلمانی درگیر شدند. این سرباز که جزء نیروهای ویژه آلمان بوده در عملیاتی شرکت کرده بود که به منظور پاکسازی شورشیان از ولایت بغلان راه اندازی شده بود. نیروهای آلمانی در این عملیات نیروهای افغان را حمایت می کرد.



Amuzgar 101.3FM

با بلند شدن آفتاب ستاره ها نا پدید میشوند

When Sun Rises the Stars Disappear

رادیو آموزگار 101.3FM

نشرات رادیو آموزگار در کابل و ولایت مرکزی افغانستان

Contact Us :
info@amuzgarfm.com
www.amuzgarfm.com
+93 (0) 772929111
+93 (0) 799 879 879

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش های پیگیرش، به هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین الافغانی را در نظر دارد. بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به خاطر جستجوی راه حل ملی تلاش فراوان داشته اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفتار خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر



Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفتار

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفتار



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شمارهها به تماس شوید: +۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - +۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵